

مردم شناسی جسمانی ایران - ۷۰۹

کیث (ص ۷۵ - ۷۶) مشاهدات خود را درباره اعراب بدین طریق خاتمه میدهد: « اعراب نسبت به سایر نژادهای بشری چه وضع و موقعیتی دارند؟ در بحث این مطلب باید رابطه عربستان را با مرزهای نژادی مجاور در نظر بگیریم. دریای احمر شبه جزیره عربستان را اقوام حامی افریقا که اغلب خون عرب نیز دارند جدا کرده است. عربستان بوسیله خلیج فارس و خلیج عمان از قاره آسیا جدا است. این خلیج يك مرز نژادی است که قوم عرب را از مردمی که با آن منسوب نیستند یعنی نوع هند و افغان جدا کرده است. و نیز در شمال قاعده شبه جزیره داخل مرز نژادی دیگری میشود که مرز جنوبی نژاد خالصتر قفقازی باشد. سپس در سمت خاور اقوام هند هستند که علاوه بر رنگ پوست قهوه‌ای و موی سیاه یا قهوه‌سیر شباهتهای زیادی با اعراب دارند. اگر فرض کنیم که نژادهای فعلی بشر در یا نزدیک مناطقی که فعلاً زندگی میکنند راه تکامل پیموده و نشو و نما کرده است باید باین نتیجه برسیم که اعراب رابطه تکاملی با همه اقوام مجاور خود دارند. این مطلبی است که مادر طی آزمایش و مطالعات خود بدست آورده‌ایم. اعراب از بعضی خصوصیات با اقوام حامی افریقا و مردم دراویدی هند و آریائی هندوستان و مردمانی که از دروازه‌های هند تا ساحل شرقی مدیترانه سکنی دارند شریک است. قیافه و شکل عرب در ظاهر اغلب بقدری به قیافه نژاد قفقازی شباهت دارد که ممکن است او را با يك اروپائی جنوبی اشتباه کرد ولی رنگ او معمولاً تیره‌تر از رنگ مردم جنوب اروپا است در ترکیب نژادی او بدون شك برخی صفات سیاهپوستی تشخیص داده میشود و این صفات است که او را با دراویدیها و حامی‌ها مربوط میکند.

در حال چگونه میتوان درباره مردمانی که از حیث قیافه و خصوصیات با نژاد قفقازی شبیه هستند و خصوصیات مشترك با نژادهای تیره پوست مجاور خود دارند و ساکن عربستان میباشدند قضاوت کرد؟ برای تشریح این مطلب حوادث و ارتباط دیگری را باید مورد توجه قرار داد حتی امروز يك منطقه کمربندی از نژاد رنگ دار دنیای قدیم را فرا گرفته است. در يك انتها سیاهپوستان افریقا و در انتهای دیگر سیاهپوستان ناحیه اوقیانوس کبیرند. در این کمربند هندوستان در وسط قرار دارد و احتمال میرود که در دوران یخبندان همه این ناحیه بهم متصل بوده است. بنابراین فرضیه ساکنین اصلی عربستان رنگ دار و شبیه به حامی-

های افریقا از یک سمت و دراویدیهای هندوستان در سمت دیگر بوده‌اند. در شمال این منطقه کمربندی سیاه دومرکز تکاملی دیگر وجود داشته است. یکی مغولیه‌ها در شمال هیمالیا و دیگری قفقازیها در شمال فلات کوهستانی که از هیمالیا از راه ایران باسیای صغیر ممتد بوده است. در اینکه از مرکز مغولیه‌ها در سمت شرقی هیمالیا درازمنه اولیه مردمی بسمت جنوب عزیمت کرده و در زمانهای مختلف مغولیه‌ها از این راه وارد منطقه کمربندی شده و بسمت ناحیه اوقیانوس کبیر پراکنده شدند شکی نیست. در سمت مغرب هیمالیا مهاجرت قفقازیها بسمت جنوب صورت گرفت. در دوران یخبندان شبه جزیره بزرگ عربستان سرزمینی مورد توجه شکارچیان حادثه جو بوده است. مردم عربستان بدین ترتیب نمونه اختلاط دراویدیهای سیاهپوست میباشند که مهاجمین سمت جنوب یا حاشیه حامی مرکز قفقازی در آن راه یافته و با آن مخلوط شده‌اند. چنین فرضیه بسیاری از مسائل مربوط به ترکیب نژادی و قرابت ساکنین عربستان را حل میکند. آیا ممکن است که مرکز تکاملی نوع قفقازی تا عربستان ادامه یافته باشد؟ در این صورت قوم عرب نژاد تکاملی‌تر بشمار خواهد آمد.

در حالیکه بنظر من ارتباط غیر قابل تردیدی بین ایرانیها و اعراب ساکن مغرب ایران وجود دارد میزان و حد این ارتباط از نظر شواهد مردم‌شناسی و اندازه گیری موجود باید یا تردید تلقی گردد. در قسمتهای دیگر این فصل مقایسه‌های آماری و تشریحی گروههای اندازه گیری شده در ایران و عراق مورد بحث واقع شد. میزان ارتباط بین مردم ایران و عراق پس از انتشار کتاب نویسنده در باره مردم عراق روشن‌تر خواهد شد علی‌الخصوص که آن کتاب شامل مطالعات و گزارشی مربوط بکردهای کردستان عراق و اعراب آل بو محمد ولایت عامره میباشد.

در فصل سوم این کتاب اشارات تاریخی درباره ترکیب نژادی ساکنین ایران از زمان ورودت تا سال ۱۹۳۸ ذکر شده است. در فصل چهارم نام قبایل و تیره‌ها و تعداد و محل اقامت آنها در تمام مملکت گردآوری شده. در فصل فعلی مردم‌شناسی جسمانی مردم ایران بر اساس اندازه گیری‌های مختصر و غیر کافی نویسنده و اندازه گیری‌های سایر مولفین مورد بحث واقع شده که شامل مسائل زیر میگردد؛ عناصر اصلی نژادی جمعیت؛ مشاهدات درباره استخوان بندی و

مردم شناسی جسمانی ایران - ۲۰۳

مطالب تطبیقی از نواحی جنوب غربی آسیا .

طبق مطالعات نویسنده عناصر اصلی جمعیت ایران از نوع مدیترانه‌است اگرچه تنوع و انحرافات قابل ملاحظه در آن مشاهده میشود . سردرازان فلات ایران از دو نوع مرکب هستند که عبارتند از يك دسته بینی راست و يك دسته دارای بینی بزرگ محدب ، دسته اولی محتملاً از حیث نژادی منسوب پادیه- نشینان شمال عربستان هستند و دسته دومی ظاهراً در فلات ایران نمود کرده‌اند این دو نوع سردراز بینی باریک صورت باریک واحدهای مشخص جداگانه میباشند ولی در میان آنها افراد بیشماری که دارای درجات مختلف اختلاط دو نوع باشند وجود دارد .

بعلاوه نوع سر کوتاه فلات ایران از سه دسته ترکیب میشود . یکی دارای بینی راست یا مقعر دسته دیگر دارای بینی محدب زیاد و سرفرق بلند و پس سر صاف که نوع ارمنی را تشکیل میدهد و دسته سوم دارای بینی محدب و صورت دراز و سر بلند هستند که احتمال میرود از اختلاط با مردم ترکستان بوجود آمده باشند . بجز از اینها در جمعیت فعلی ایران نوعهای اروپائی شمالی و جنوبی و مغولی و سیاهپوست و حامی دیده میشود وجود این افراد دارای شکل آسیائی و اروپائی و آفریقائی نشانه ارتباط جسمانی بین ایران و مردم هر سه قاره میباشد . بعلاوه شواهدی در دست است که ایران از زمان عصر حجر قدیم محل زندگی بشر بوده و اختلاط و امتزاج قابل ملاحظه بین نژادهای مختلف در آن صورت گرفته که دلیل آن تماس و ارتباط بسط فرهنگی میباشد که حفاریات و مطالعات تطبیقی آنرا آشکار کرده است .

در قسمت بحث ارتباطات خارجی ایران جدولهای مطالب تطبیقی از اندازه‌ها و شاخص‌های مردم جنوب غربی آسیا گردآوری و هر کدام در محل خود مورد بحث واقع شده است . در اینجا کافی است گفته شود که ساکنین فعلی قسمت جنوب مرکزی فلات ایران بنظر میرسد بیشتر منسوب بمردم ساکن غرب و شمال غربی ایران باشند تا بمردم قسمت شرق بجز ناحیه افغانستان و مردم شمال شرقی باستانی ترکمن‌ها .

بررسی اندازه گیری مفصل درباره افغانستان بعمل نیامده ولی دکتر گردن بولز Gordon T. Bowles از موزه پیبادی دانشگاه هاروارد در سال ۱۹۳۷ بایک

سری اندازه‌گیری‌ها و عکس‌هایی که از افراد افغانی در کوهپایه جنوبی هیمالیا تا ایالت‌شان گرفته بود مراجعت کرد. دکتر بولز اجازه داد عکس‌های نوع‌های نژادی افغانستان را که شامل ۱۷۲ فرد در چهار گروه است مطالعه کنم.

تعداد

- ۱- افغانی از کابل بسمت شرق تا جلال‌آباد ۵۰
- ۲- افریدی از جنوب تنگه خیبر و دره تیرا ۴۰
- ۳- مهمندی از شمال تنگه خیبر و شمال شرقی بجاور ۴۰
- ۴- پاتان - ختک و بنگش از جنوب غربی پشاور پشتوزبان ۴۲

۱۷۲

در طی تقریباً سه سال دکتر بولز از چندین هزار نفر اندازه‌گیری و عکسبرداری مشاهده کرد. بنا بر این بنظر من مناسب رسید که از او دعوت کنم عکس‌های چهار گروه ایران را مشاهده کند و نظر خود را درباره شباهت جسمانی و اختلافات آنها را با عکس‌هایی که او از مشرق ایران یا برمه گرفته بود بدهد. دکتر بولز چنین اظهار نظر میکند: «بر اساس عکس‌های فردی چهار گروه ایران با شکل می‌توان مطمئن بود که این نمونه‌ها نماینده کافی مملکت یا ناحیه‌ای که متعلق به آنهاست باشند. فرض کنیم که این نمونه‌ها درست باشد چند عامل مهم در رابطه بین این گروه‌ها و مردم مشرق افغانستان و شمال غربی هندوستان می‌توان یافت. اولاً هیچیک از چهار گروه را نمی‌توان خیلی شبیه پاتانها که پشتو حرف می‌زنند تا مردم پنجاب دانست. استنباطی که از این مطلب می‌توان بدست آورد اینست که بنظر میرسد که عده زیادی عوامل غیر مشابه جسمانی وجود دارد اگر این عوامل در بسیاری موارد از نوعی است که مربوط بنوع شکل شناسی محلی است و اختلافات نژادی عمده را مشخص نمی‌سازد بطور کلی در ایران و افغانستان عناصر اصلی نژادی یکسان است. ثانیاً در ناحیه هند و افغان گاهی افرادی پیدا میشوند که خیلی

- ۱- افغانهایی که دکتر بولز اندازه‌گیری کرد در طبقه سرد در از تاسر متوسط قرار دارند و قد آنها بین ۱۶۴ تا ۱۷۰ است. دکتر بولز فرد شماره ۳۳۰۲ (تصویر ۱۲۹ - شکل ۱ و ۲) مرا از همان نوع فرد افغانی شماره ۱۷۸۶ خود انتخاب کرد که مشخصات او عبارت است از سن ۴۰ - قد ۱۷۱/۰ - شاخص سر ۷۳/۰ - شاخص صورت ۹۷/۰ - شاخص بینی ۵۲.

مردم شناسی جسمانی ایران - ۷۰۵

شبهه افراد گروههای ایران هستند ولی رویهمرفته این امر اتفاقی است و تاحدی غیر عادی. شاید صحیح تر آن باشد که گفته شود اگر چه نمونه های معدودی در ناحیه هند و افغان پیدا میشود که شبهه افراد سریهای ایران هستند این نمونه ها پراکنده و متفرق است و حاکی از نفوذ مختصر است و نه شباهت اساسی و کلی بین اکثریت مردم دو ناحیه. ثالثاً بنظر میرسد که این نمونه های اتفاقی مشابه بیشتر در ناحیه مغرب پهایری زبان کوهپایه ایالات شمالی بخصوص در ایالت چمبا و ناحیه کنگرا و ایالت کوهستانی سیملا پیدا میشود تا در ایالات مرزی شمال غربی و شمال غربی پنجاب و افغانستان شرقی. رابعاً نمونه های چندی از مردم پهایری غربی شمال پنجاب بطور اتفاق در ایران پیدا شده است. گروههای فرعی که این امر درباره آنها صدق میکند عبارتند از لاهولی لاهول - گدی یا پراهماتری و چوراهی چمبا و تاحدی دوگری و میرپوری و پونچی جنوب کشمیر و دشت پنجاب بین رود سند و ساتلج و مخصوصاً در امتداد پایه تپه های سیوالک.

د برای توصیف و تعیین محل بهتر این نواحی باید گفت که ایالت چمبا در قسمت شمال غربی پنجاب در مشرق ایالت کشمیر قرار دارد و پهایریهای غربی فقط در کوهپایه های هیمالیا زندگی می کنند و ناحیه آنها شامل ایالات چمبا بسوی مشرق تا ساتلج است و پهایری مرکزی از ساتلج تا سرحد نیال امتداد دارد. « از چهار گروه ایران مردم یزدخواست و کناره بیشتر مورد این اثر میباشند. »

دکتر بولز میگوید که « نوعهایی که بنظر میرسد نمونه یهودیهای اصفهان باشند مانند شماره ۳۴۸۶ (تصویر ۳۹ - شکل ۳ و ۴) - ۳۴۹۳ (تصویر ۳۹ - شکل ۱ و ۲) - ۳۴۹۸ (تصویر ۳۸ - شکل ۱ و ۲) - ۳۵۱۵ (تصویر ۳۸ - شکل ۳ و ۴) - ۳۴۹۴ (تصویر ۳۶ و ۳۷) - ۳۴۸۲ (تصویر ۳۵ - شکل ۴) - ۳۴۸۴ (تصویر ۳۵ شکل ۱ و ۲) - ۳۴۸۳ (تصویر ۳۴ - شکل ۱ و ۲) - ۳۵۰۳ (تصویر ۳۴ شکل ۳ و ۴) - ۳۴۷۹ (تصویر ۳۳ - شکل ۳ و ۴) - ۳۴۷۶ (تصویر ۱۰ شکل ۱۳ و ۴ و تصویر ۳۲ - شکل ۱ و ۲) - ۳۵۰۱ (تصویر ۳۲ شکل ۳ و ۴) - ۳۴۸۷ (تصویر ۳۰ شکل ۱ و ۲) - ۳۴۹۶ (تصویر ۲۹ - شکل ۳ و ۴) - ۳۴۷۸ (تصویر ۲۸ - شکل ۳ و ۴)

- ۳۴۹۵ (تصویر ۲۸ - شکل ۱ و ۲) - ۳۵۰۲ (تصویر ۲۵ شکل ۳ و ۴)
 - ۳۵۰۷ (تصویر ۲۴ - شکل ۱ و ۲) - ۳۵۰۰ (تصویر ۲۱ - شکل ۱ و ۲)
 و ۳۵۱۲ (تصویر ۲۰ شکل ۳ و ۴) تا آنجائیکه من اطلاع دارم هرگز در
 میان افغانی یا هندی پیدا نمیشود مگر در میان گروه پراکنده یهودی بنظر میرسد
 که این نمونه در بین افغانها یا پاتانهای خالص یا در نقاط شمال هندوستان نفوذ
 کرده باشد .

د از بقیه افراد شماره ۳۵۱۶ (تصویر ۱۶ - شکل ۱ و ۲) - ۳۵۱۴
 (تصویر ۱۵ - شکل ۱ و ۲) و ۳۵۱۳ (تصویر ۱۵ - شکل ۳ و ۴) بقدری
 جوان هستند که نمیتوان حدس زد در سن بلوغ بچه شکل درآیند . ممکن است
 از نوع یهودیها شوند و نیز ممکن است از نوع پنجاب شمالی از آب درآیند .
 د افراد شماره‌های ۳۵۰۵ (تصویر ۱۶ - شکل ۳ و ۴) - ۳۵۱۸
 (تصویر ۱۷ شکل ۱ و ۲) - ۳۵۲۳ (تصویر ۱۷ - شکل ۳ و ۴) - ۳۵۲۲
 (تصویر ۱۸ - شکل ۱ و ۲) - ۳۵۲۰ (تصویر ۱۸ شکل ۳ و ۴) - ۳۵۰۴
 (تصویر ۱۹ - شکل ۱ و ۲) - ۳۴۹۷ (تصویر ۱۹ - شکل ۳ و ۴) و ۳۵۰۸
 (تصویر ۲۰ - شکل ۱ و ۲) احتمال نیرو در مشرق افغانستان یا شمال غربی
 هندوستان پیدا شوند .

د فرد شماره ۳۴۹۲ (تصویر ۲۶ شکل ۱ و ۲) از طرف دیگر ممکن
 است یا در شمال غربی پنجاب یا حتی در ناحیه کوهستان بهاری شمال پنجاب
 پیدا شود .

د فرد شماره ۳۴۹۹ (تصویر ۱۰ - شکل ۱ و ۲ - تصویر ۲۹ - شکل
 ۱ و ۲) ممکن است در ناحیه لاهول در شمال غربی پنجاب (گروه غیر هند و اروپائی)
 دیده شود .

د در خاتمه میتوان گفت که افراد بسیار محدودی ممکن است در جمعیت
 غیر یهودی افغانستان و پاتانها و ناحیه شمال غربی هندوستان مشابه پیدا کنند .
 استنتاج خود من این بود که بطور کلی این افغانها ظاهراً خصوصیات و
 پیوستگی نژادی بیشتری با ایران دارند تا با مردم دره سند . اکثر آنها ممکن است
 ساکنین ناحیه بین طهران و شیراز و در بعضی موارد با اعراب مرکز عراق بخصوص در
 ولایت حله اشتباه شوند . از طرف دیگر چندین تن از آنها متعلق به هندوستان

مردم شناسی جسمانی ایران - ۷۰۷

طبقه بندی می‌شوند تا متعلق بایران . نظر سطحی بر اساس شواهد مختصر بر آنستکه بنظر میرسد که خصوصیات جسمانی بعضی گروههای افغانستان با فلات ایران مربوط و منسوب است و نه با هندوستان . بعلاوه در میان سری عکسهای ایران عده بسیار معدود و شاید هیچکس با مردم هند اشتباه نشود اگرچه از نظر اندازه گیری افراد که در ساحل غربی هندوستان بین رأس پیشکان تا دماغه کمورین زندگی میکنند با گروههای ایران اختلاف زیادی ندارند .

بدین ترتیب بنظر میرسد محلی در مشرق افغانستان باشد که خط جدائی محسوب شود و شاید این خط هندوکش باشد که گاهی پاروپامیسوس paropamisus یا کاکاسوس ایندوکس Cou Casus Indiocus با قله مرتفع آن تیراج میر با ارتفاع ۲۵۴۲۰ نامیده میشود از آنجائیکه نوع باصلاح مدیترانه از مراکش از قسمت جنوبی آسیا تا سواحل اقیانوس کبیر ممتد است رشته و حلقه مرتبط باید از بلوچستان جنوب جنوبی ترین شعبه هندوکش و همسایه شمالی آن کوهستان تین شان در سینکیانگ غربی بگذرد . در این مورد باید بخاطر داشت که سر آرثر کیث فرض میکند که یک باریکه نژاد سیاهپوست جنوبی این منطقه از شمال شرقی افریقا تا نواحی ملانزی بسط دارد .

در شمال این کمر بند فرض مدیترانه ای و سیاهپوست جمهوری ترکستان شوروی قرار دارد که سر بسیاری از مسائل باستانشناسی و مردم شناسی را در آن نهفته است . ۱ دانشمندان شوروی در سالهای اخیر در ترکستان مشغول کار و تفحص بودند ولی گزارش کار آنها اغلب یا به چاپ نرسیده و یا دسترسی با آنها نیست . وئی در ۱۹۳۷ سه گزارش درباره مردم تاجیکستان منتشر شد که عبارتند از «تاجیکهای کوهستان» و «جمعیت پامیر غربی» بقلم و . و . گنیزبرگ . کتاب اخیر بر اساس مطالب و تحقیقات ن . و . بوگوا یا اولسنکی Bogoiavlenskii قرار دارد . و کتاب «قبائل ایرانی پامیر غربی» بقلم ل . و . اوشانین .

از مطالعه مقدماتی این سه گزارش ۲ میتوان گفت که خصوصیات جسمانی

۱ - فیلد و پرستوف : ۱۹۳۶ - ص ۲۸۵ - ۲۸۸ - ۱۹۳۷ - ص ۴۷۴ -

۴۷۹ و ۱۹۳۸ ص ۶۷۱ - ۷۵ - ۱۹۳۹ .

۳ - خلاصه این گزارشها در نشریه آینده موزه فیلد تحت عنوان مردم

شناسی جسمانی در روسیه شوروی بقلم هنری فیلد و پوزین پرستوف منتشر خواهد شد .

ساکنین ناحیه پامیر از این قرار است : سر کوتاه و اغلب خیلی سر کوتاه - قد متوسط - موی سر وریش زیاد و تیره - چشم تیره - بینی بلند و برجسته عمومیت و وجود خصوصیت سر کوتاهی مانع از آن میشود که فرض کنیم نسبتی بین قبایل پامیر و نوع اساسی فلات ایران وجود دارد علیرغم این نکته که تاجیکها بزبان فارسی تکلم میکنند و محققین فوق اظهار عقیده میکنند که در اصل باید از ایران آمده باشند .

دکتر کارلتون س. کون از موزه پیمادی دانشگاه هاروارد بنویسنده اطلاع داد که بوریس ویشنیوسکی Boris N. Vishnievskii از مؤسسه مردم شناسی و نژاد شناسی لنین گراد گروههای زیر را در ترکستان شوروی اندازه گیری کرده است : تاجیک پدژرنت (۱۱۸) - سمرقند (۲۵) - فرغانه (۳۶) - اوراتوبا (۵۱) - کوه نشین (۷۸) - یهودی (۱۰۱) - عرب (۲۸۰) - ایرانی (۲۶۴) . مطالب گردآوری شده برای بررسی و تجزیه به هاروارد فرستاده شد و چون نتایج آن هنوز به چاپ نرسیده اجازه ندارد از آنها نقل قول کند . ولی این مطلب شایان اهمیت است که این بررسیهای اندازه گیری در موقع خود در دسترس دانش پژوهان خواهد بود .

در مورد اناطولی اطلاعات مردم شناسی و اندازه گیری در دسترس نیست و بهمین جهت بجز ارقام معدودی که در جدول تطبیقی نقل شده اشاره باین منطقه مهم حذف شده است . بعلاوه گزارش کروگمن (۱۹۳۷) درباره نوع جمجمه های علیشاریوک فقط مربوط به مردمان قدیم اناطولی میباشد .

شوکت عزیز کانسو استاد مردم شناسی دانشگاه آنکارا و دانشجویان او بررسی و اندازه گیری مردم اناطولی را آغاز کرده اند و طی چند سال آینده امیدواریم نتایج این مطالعات در ترکیه در دسترس عموم قرار گیرد و با اشتیاق منتظر آن هستیم .

عده زیادی از دانشمندان مردم شناس روسیه و شوروی مطالعاتی درباره مردم قفقاز کرده اند ولی هنوز بسیاری از مسائل بررسی نشده باقیمانده است . در ۱۹۳۴ نویسنده از ۵۰ یزیدی در تفلیس و ۱۰۷ مرد و ۵۰ زن در شمال اوستیا در اردزوونیکیدزه (ولادی قفقاز سابق) اندازه گیری کرد . از گزارش درباره این دو گروه کوچک بعضی مطالب تطبیقی از ناحیه قفقاز مورد استفاده واقع خواهد

مردم‌شناسی جسمانی ایران - ۷۰۹

شد. در این کتاب احتیاجی به بررسی جزئیات بیشتر درباره خصوصیات جسمانی ساکنین نیست. قطعاتی از کتاب دانیلو (ص ۹۴ - ۱۰۸) شامل ارقام تطبیقی چندین گروه قفقاز می‌باشد. در قسمت مربوط به یهودیهای اصفهان (ص ۲۸۹ - ۳۱۵) آماری در مورد یهودیهای قفقاز برای مقایسه آورده شده است.

تا اینجا بررسی سریعی از مردم نواحی مجاور ایران کرده‌ایم و اینک باید توجه خواننده را به امواج مهاجرت و گروه مهاجمین که از ارتفاعات آسیای مرکزی فلات ایران را مورد تاراج قرار دادند جلب کرد.

سهم چینی‌ها بتاريخ تمدن ایران قدیم که در کتاب لوفرو هادی حسن ورید مندرج است در فصل دوم نقل شده است.

وقتی بررسی کافی اندازه‌گیری بین مدیترانه و هندوستان و در آسیای مرکزی تکمیل شد آنوقت و فقط آنوقت ممکن خواهد بود رابطه و نسبت حقیقی این تقسیمات فرعی شبه شرقی نژاد مدیترانه را تعیین کرد و از طرف دیگر ارتباط فردی و جمعی آنها را با ساکنین قدیم و جدید اروپا و آسیا و افریقا معین نمود.

ساکنین فعلی فلات ایران تقریباً در وسط راه بین حداکثر عرض کمربند نژاد مدیترانه که امراکش تا اوقیانوس کبیر ممتد است قرار دارند. در نتیجه بررسی مردم‌شناسی و اندازه‌گیری ایران موفق شدیم یک شعبه اساسی نژاد سفید را که نژاد فلات ایران می‌نامیم مشخص نمائیم. این نوع جدید نژادی اکنون برای اولین بار مقام خود را در کنار نژادهای نوردیک و مدیترانه و آلپ احراز میکند.

در خاتمه بشر ایرانی قدیم Homo Iranicus یعنی آن معمای مردم - شناسی مغرب نزدیک و حتی شاید برادر تمام عیار بشر اصلی Homo sapiens می‌باشد که از نظر جسمانی و فرهنگی در محلی در داخل ناحیه جنوب غربی آسیا یعنی مهد اجداد مستقیم ما نمو کرده است و بسیار ممکن است بموقع خود با دلیل و مدرک این گفته را به تفصیل شرح دهیم. ایران زیبا - ای پرورشگاه نژاد بشر.

مردم‌شناسی ایران

فهرست قبائل و کتابنامه و فهرست اعلام و نوحه‌ها

۵ - در قرن هفدهم ایرانیها دو میلیون نفر آذربایجانی را داخل قفقاز کردند. از لحاظ خصوصیات جسمانی شبیه تاجیکها می باشند (دنیگر ص ۵۰۵-۵۰۶)

آرامائی

ایران برای مدت پانصد سال تحت تسلط یونانیان و سامی ها و آرامائیها و تورانیان بود (دوخانیکیف ص ۷۴-۷۶).

آرابالو

یکی از قبایل بادیه نشین خیمه (عرب) در فارس ولادستان ۱۸۷۵ (کرزن ۱۸۹۲-جلد ۲ - ص ۱۱۲-۱۱۴) رجوع شود همچنین به آینه لو.

آریان

۱ - اصل و مبدأ مشترک آریانه های ایران دامنه حقیقت غیر قابل انکار است (دوخانیکیف- ص ۳۵) .

۲- در حجاریهای شاهان هخامنشی دیده می شود که مردم آریائی نژاد بلند قد و خوش ترکیب بودند ولی صورت یونانی نداشتند شکل سر آنها هند و اروپائی است و موی زیاد دارند (رالینسون - جلد ۲ ص ۳۰۷)

۳- آریانه های ایران متشکلند از فارسی ها و لرها (هومی ص ۱۰۳). اندازه- های آریانه ها (لرها) (ص ۱۱۱). فرق جانکی ها یا سایر بختیاریها آنست که سر کوتاهی آنان تا اندازه کمتر و خصوصیات آریائی در آنها زیاده تر است. وجود يك قبیله مشخص دیگر نزدیک میدوید که هیچگونه ارتباطی با فارسیها و لرها ندارد این نظریه را که منطقه بختیاری در اشتغال آریانه ها بوده تأیید میکند (ص ۱۲۲ - ۱۲۶). ایرانیها دارای شاخص سرسایر آریائیها هستند از قبیل هندوها- افغانها و لرها که ۷۳ بود (ص ۱۳۶-۱۳۷) .

۴ - آریائیهای باستان و ایرانیان قبل از اعراب و ترکها و تاتارها بایران آمدند. بعضی عقیده دارند که بختیاریها از حیث نژاد آریائی هستند (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۲۷۳ - ۲۷۵) . بلوچها بزبان آریائی یا مشتق از آریائی تکلم میکنند (جلد ۲- ص ۲۵۸-۲۵۹)

فهرست قبائل و گروه‌های نژادی - ۲۱۵

- ۵- در ازمنه ماقبل تاریخ آریانه‌های ایران با اقوام دیگر تماس پیدا کردند و بعدها با مردمانی از نژاد سامی مانند آسوریها و عربها و یهودیها و با ساکنین آسیای صغیر و همچنین با ترکها و مغولها مخلوط شدند (دانیلوستون ۱۰-۱۹ و ۲۶-۲۸)
- ۶- در ازمنه ماقبل تاریخ قفقازیه و آریانه‌ها و سامی‌ها سه شاخه بزرگ نژاد سفید را در آسیای غربی تشکیل می‌دادند (برینتون ص ۱۱-۱۷) در اوان تاریخ نژاد آریان ناحیه بین زاگرس و پامیر را تحت تسلط داشت. مدیها و مدیهای اولیه آریائی بودند (ص ۳۲).
- ۷- بنظر می‌رسد که زبان ارمنی آریائی باشد ولی خود ارامنه بیشتر با ترکمنها قرابت دارند تا با یونانیها و ایرانیهای آریائی زبان (ریپلی ص ۴۴۲-۴۵۲).
- ۸- ایالت هرات در اشغال تاجیکهای آریائی است در حالی که وخن و روشن و کافرستان محل سکونت قبایل و طوایف قدیمی آریان است. افغانها از حیث نژاد آریائی هستند (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۲ - ص ۲۱۷) فلات ایران در تسلط آریانه‌ها است. تاریخ دریای قدیم تاریخ مبارزه بین نژادهای سامی جنوب و نژادهای آریائی شمال است که موفقیت کامل با نژادهای شمالی بوده است. « هند و اروپائی » را معمولا آریائی می‌خوانند (در صورتیکه کلمه آریان بطور دقیق فقط قابل اطلاق به گروه هندو ایرانی است) نظر اصلی این بود که از يك موطن بدوی گروههای عظیم آریائی قسمتهای غیر مسکونی نیمکره شمالی را اشغال کردند. اکنون معمولا اذعان می‌شود که صحیح تر آنست که « از خانواده زبانهای آریائی و شاید تمدن بدوی آریائی که قبل از جدائی مختلف آریائی از زبان اصلی وجود داشته » صحت داشت (دنیگر ص ۱۵). ظاهراً آریانه‌ها ساکن سرزمینی با آب و هوای تازه بودند زیرا فقط دو یا سه فصل می‌شناختند. زبان آنها نشان میدهد که محل سکونت آنها استپ بوده و در آنها کوهستان و جنگل وجود نداشته و فقط چند درخت نیر و مندماوندگان و بیدمجنون وجود داشته است. بعضی از محققین موطن اصلی قوم آریان را استپهای شمال خراسان و دشتهای جنوب روسیه و برخی ناحیه جنوب غربی دریای خزر میدانند. تصور می‌رود که مدیها از جنوب روسیه مهاجرت کرده و بتدریج قسمت غربی فلات ایران را اشغال کردند. پارسیها از استپهای شمال خراسان داخل شده و پارس را تصرف کردند. تا ۱۳۵۰ قبل از میلاد هنوز عناصر ایرانی و هندی قوم آریان از هم جدا نشده بود. احتمال می‌رود اقوام بوسائی پراتاسنی و استروچانی و اریزاشی که هرودوت

از آنها نام برده آریائی باشند (جلد ۱ - ص ۹۵ - ۹۹).

۹ - بندهش می گوید اعراب و ایرانیها و سامیها و آریانها در بادی امر در مغرب آسیا از يك شاخه بودند (مدی - ۱۹۱۹ - ص ۷۳۳).

۱۰ - مدیهای اصلی يك قوم آریائی بودند که با آریائیهای شمال هند و مردم آریائی اروپا ادعای قرابت داشتند (مایس ص ۷۳ - ۷۴).

۱۱ - حمله آریانها از شمال شرقی بعزت خشکسالی و ازدیاد جمعیت بود. از راه ایران به بین النهرین آمدند (ورل ص ۲۰ - ۲۱). این امر کمی بعد از سال ۲۰۰۰ قبل از میلاد صورت گرفت و پس از آنکه زمانی در ایران و ترکستان (۴) مستقر بودند شاخه‌ای که آریان نامیده می شود به دو گروه تقسیم شدند يك گروه یعنی ایرانیان در ایران باقی ماندند و گروه دیگر هندیها بعدها یا در اویدیا مخلوط شدند. تقریباً در همان زمان روسای آریائی میتانی در ارمنستان استقرار یافتند. در اواسط قرن هیجدهم قبل از میلاد سلسله آریائی کاسیتها بابل را تصرف کرده بودند (ص ۱۲۱ - ۱۲۲) اقوام بادیه نشین ایرانی زبان شمالی که در استپ های شرقی روسیه میگشتند و با مغولهای تورانی زبان مخلوط گردیدند، در ایرانیان نفوذ کردند (ص ۱۲۴ - ۱۲۶).

۱۲ - در حدود دو هزار سال قبل از میلاد بادیه نشینان آریائی زبان شمالی از شرق روسیه ساکنین اصلی و بومی ایران را در خود مستهلک کردند (ویلسون ۱۹۳۲ - ص ۲۸).

۱۳ - آریانها برای اولین بار در حدود ۱۴۵۰ قبل از میلاد در بین النهرین ظاهر شدند. موطن اصلی آریانها «ارانوج» بین سیحون و خوارزم و سمرقند است. اولین گروه آریائی که مهاجرت کردند هند و آریائی و دوم ایرانیان و سوم سکاها بودند. پس از دوره کوتاهی از ترکستان روس از ارتفاعات نزدیک سرخس در سمت هرات وارد ایران شدند (هرتسفلد ۱۹۳۵ ص ۶ - ۱۰).

۱۴ - آریانهاییکه در نخت جمشید نشان داده شده اند دارای سر و صورت پهن و موی سیاه و انبوه بوده و چشمان درشت و پیشانی بلند و استخوان گونه برجسته می باشند. بینی آنها منحنی و بلند و نوک فرورفته و پرده های نسبتاً بزرگ است که کاملاً بانوع سامی در بابل و ارمنی در حجابیهای آسوری فرق دارد (هرتسفلد و کیت ص ۴۲ - ۵۸).

فهرست قبائل و گروههای نژادی - ۲۱۲

آریزانی

- ۱- یکی از قبائل مدیها (هرودوت I - ۱۰۱).
- ۲- محتمل است آریزانی باشند (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۱ - ص ۹۵ - ۹۹).

آسوری

- ۱- اندازه‌های مجموعه زیر عنوان سامی‌ها (دوخائیکف ص ۷۱ و ۱۳۱-۱۳۲).
- ۲- بعد از ازمنه ما قبل تاریخ آریزانیهای ایران با آسوریها مخلوط شدند. از لحاظ کوتاهی سر تا جیکها شبیه آسوریها هستند (دانیلو - ستون ۱۰ - ۱۹ و ۲۶-۲۸) شاخص سر ۸۹/۶ (ستون ۵۳ - ۵۵).
- ۳- آسوریها در ناحیه کوهستانی عیلام با مردم آن ناحیه مصادف شدند (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۱ ص ۵۰-۵۳).
- ۴- آسوریها در سال ۸۴۰ قبل از میلاد به مسکن مدیها در کوهستان کردستان در مشرق دریاچه ارومیه حمله کردند (سایکس ص ۷۳ - ۷۴).
- ۵- از نظر خصوصیات جسمانی ایرانیها متشکلند از نژاد آسوری مخلوط عناصر ترک در ایران و ترکیه و یاهند و افغانی در افغانستان و با عرب و عناصر سیاهپوست در جنوب ایران و جنوب بلوچستان پارسیها از نوع آسوری یاهند و افغانی هستند (دیکر ص ۵۰۵ - ۵۰۷) مکرانیها مخلوطی هستند از نژادهای هند و افغانی و آسوری و سیاهپوست. (ص ۵۰۸).

آسوری - کلدانی

قوم سر کوتاه در مغرب ایران (دانیلو ۱۰ - ۱۹ و ۲۶ - ۲۸).

آلبوقیش

از قبایل عرب خوزستان - تعداد افراد ذکور بالغ آنها متجاوز از ۵۰۰ است (کرزن ۱۸۹۲ جلد ۲ ص ۳۲۰ - ۳۲۲).

آینه‌لو

۱- قبیله بادیه نشین خمسه (عرب) فارس و لرستان - ۱۸۹۰ (کرزن)

۱۸۹۲ - جلد ۲ ص ۱۱۲ - ۱۱۴).

۲ - یکی از پنج قبایل خمه از نژاد ترك (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۲ - ص ۴۷۹) همچنین رجوع شود به اپتلو و آرایالو

ابولوردی

قبیله باده نشین از قبایل خمه (عرب) فارس و لارستان - ۱۸۷۵ (کرزن - ۱۸۹۲ - جلد دوم . ص ۱۱۲ - ۱۱۴) .

اپتلو

(عبادلو) از قبایل بادیه نشین خمه (عرب) فارس و لارستان ۱۸۸۹ (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۱۱۲-۱۱۴) همچنین رجوع شود به آرایالو و آینه لو .

اخل

یکی از طوایف ترکمن (بکستون - ص ۲۲۳).

اخور

قبیله کرد کرمانشاه - هزار خاوار (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۵۵۷).

اردشیری

رجوع شود به اوردشیری.

ارساری

از طوایف ترکمن (بکستون ۱۹۲۹ - ص ۲۲۴).

ارکین

یکی از قبایل بادیه نشین قشقایی (ترك) در فارس و لارستان - ۱۸۹۰ (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۱۱۲ - ۱۱۴).

فهرست قبائل و گروه‌های نژادی - ۷۱۹

ارمنی

- ۱- کلنی ارمنی در حومه اصفهان از پانصد فامیل متجاوز نیست . اسقف جلفا عده آرامنه ایران را ۱۲۳۸۳ نفر تخمین می‌زند که در حدود يك ششم تعداد آنها قبل از حمله افغان می‌باشد (ملکم - جلد ۲ ص ۵۱۸ - ۵۲۱).
- ۲ - هایکانها یا ارمنیان از نژاد آریان و منسوب با ایرانیان هستند ولی بآنها تعلق ندارند (پریچارد ص ۱۷۱).
- ۳ - در شمال کردها و نسطوریها زندگی می‌کنند و ایرانی هستند که در اثر تماس با سامی‌ها و ترکها تغییر پیدا کرده اند . برای نوع نژادی ارمنی به مردم استراخان مراجعه شود . قد بلند و متناسب و متمایل بچاقی هستند . شکل سر ایرانی و از نوع سر دراز است . چشمان آنها بزرگ و سیاه و فرورفته تر از آن ایرانیها است . پیشانی کوتاه و بینی خیلی برجسته و عقابی و دراز است . صورت بیضی شکل آنها درازتر از صورت ایرانیان است . گردن آنها دراز و باریک است ولی دهان و دست و گوش و پای آنها معمولا بزرگ و به کوچکی ایرانیها نیست (دوخانکیف ص ۱۱۲). اندازه‌های يك جمجمه ارمنی (۱۳۳ - ۱۳۹) .
- ۴ - ارمنی‌ها زیر مغول و آریائی صورت داده شده‌اند (هوسی ۱۰۳). آرامنه جلفا که در سال ۱۶۰۵ میلادی کوچ داده شدند دارای سر کوتاهتر و استخوان گونه برجسته‌تر از عجمی‌ها می‌باشند بینی آنها کوتاه و برجسته است . طبق نظر شاتر شاخص سر آنها ۸۶-۸۴ است و مانند تر کمنهای خالص سر کوتاه هستند (ص ۱۲۰).
- ۵ - بعضی از دختران ارمنی زیبا و سفید رو هستند و بجای سالك خود افتخار می‌کنند (بیشاب جلد ۱ - ص ۳۸).
- ۶ - هتوم - شیندلر می‌نویسد که تعداد آرامنه در ایران ۴۳ هزار نفر است (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۴۹۲ - ۴۹۴) . در کردستان عناصر ارمنی وجود دارد (جلد ۱ - ص ۵۴۹) تعداد آرامنه در آذربایجان ۲۸۸۹۰ نفر است که کمتر از نسطوریها می‌باشند (جلد ۱ - ص ۵۴۸) در کرمان ارمنی وجود نداشت ولی اکنون وجود دارد (جلد ۲ - ص ۲۴۴) . شام‌عباس کلیه جمعیت ارمنی را از ایالات شمال غربی باصفهان کوچ داد تا بتعلیم کسب و تجارت پردازند و آبادانی ایجاد کنند (جلد ۱ - ص ۹۷-۹۸) . در تهران يك هزار ارمنی هست (جلد ۱ - ص ۳۳۳).
- ۷ - زمانی مازندران در اشغال آرامنه بود . ناجیکهای خراسان از لحاظ

سر کوتاهی شبیه آرامنه هستند (دانیلو . متون ۱۰ - ۱۹ - ۲۶ - ۲۸) شاخص سر ۸۵/۶ (ستون ۵۳ - ۵۵).

۸ - آرامنه در تهران و جلفا استقرار یافته اند (هتوم - شیندلر ص ۴۸).

۹ - اگرچه بنظر می رسد زبان ارمنی آریائی باشد خود آنها بتر کمنها نزدیکترند تا به ایرانیها و یونانیها . کردها و ارمنی ها برای تسلط بر آسیای صغیر با هم رقابت دارند . تعداد آرامنه در حدود پنج میلیون نفر است که نیمی از ترکیه و بقیه در قفقاز شوروی و ایران هستند . در نوع جسمانی خالص و دارای وحدت مذهبی می باشند (ریپلی - ص ۴۴۲ - ۴۵۲) .

۱۰ - تاریخ جهان مورخ نقش شده تا نشان داده شود قبایل فریگوتراس اجداد آرامنه هستند ولی ها کویان ادعا می کنند آرامنه از اولاد پارتیها میباشند . آرامنه یکی از عناصر جمعیت ایران هستند (فین ص ۳۲ - ۳۳) .

۱۱ - آرامنه جزء جمعیت مسیحی ایران بشمار می آیند (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۱ - ص ۱۳-۱۴) .

۱۲ - آرامنه گروهی هستند که به سوی ایران رانده شده اند (هادون ص ۱۰۲ - ۱۰۳) .

۱۳ - فنلوشان آرامنه را یکی از نمایندگان جدید هیتی های باستانی می داند (هیتی ص ۱۵) .

ازبک

۱ - تافارهایی هستند که اراضی مسکونی را متصرف شدند (پریچارد ص ۱۷۱) .

۲ - ازبکها که بنام یکی از خانهای آن قبیله خوانده شده اند توده ای از قبایل ترکی مغول بودند و شاید از نژاد فینی باشند و بصورت يك قوم واحد در آمدند ولی عناصر ترك در آنها تفوق دارد اکنون ماوراءالنهر را در اشغال دارند . ده نشین هستند ولی بین آنها و بادیه نشینان تركمن فرق زیادی نیست . هر دو صورت پهن و چانه نوك تیز و ریش کم رنگ تنك و سر كوچك و عضلات قوی و چشمان كوچك مانند چینی ها دارند (ابری - مکی - ص ۱۶) .

۳ - ازبکها در ساحل جنوبی سیحون در افغانستان یافت می شوند (بلیو ص ۱۳) ازبک یعنی مستقل (ص ۱۰۰) .

فهرست قبائل و سرودهای نژادی - ۲۲۱

- ۴ - مقایسه تاتار فرقیز و تاتار ازبک و غیره (کندر - ص ۳۰ - ۵۱).
- ۵ - شاخص سر ازبکها از : فرغانه ۸۶/۰ - زرافشان ۸۳/۰ و ۸۵/۵ - کلترا ۸۴/۰ - سمرقند ۸۴/۰ (دانیلوستون ۵۳ - ۵۵).
- ۶ - در سمت شمال هندوکش در افغانستان جمعیت اکثر ازبک هستند .
سنی (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۲ - ص ۲۱۶ - ۲۱۸)
- ۷ - در ترکستان بین سیحون و جیحون عناصر خالص ازبک زندگی میکنند .
بعداد آنها کم و یک نوع اشرافیت نژادی تشکیل داده اند . (هدون ص ۱۰۳ - ۱۰۴).
یک گروه مرکزی ترکی (ص ۳۱).

استروجات

- ۱ - ازقبایل ماد (هرودوت I - ۱۱۰).
- ۲ - شاید آریان باشند (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۱ - ص ۹۵ - ۹۹).

اشتهاردی

بلهجه فارسی قدیم تکلم می کنند نسبتاً بلند قد هستند در ناحیه اطراف
اشتهارد ۶۵ کیلومتری جنوب غربی سکونت دارند . یکی از افراد آنان ریش
قرمز داشت . مو مجعد ، لب متوسط تا کلفت ، دندان متوسط تا کوچک . قد ۱۶۵/۲ .
شاخص سر ۸۰/۴ . حداکثر قطر پیشانی ۱۰۴ . عرض گونه ها ۱۳۸ . عرض فکین
۱۰۱/۷ (دانیلو).

اعراب کعب

از قبایل عرب خوزستان مهمترین آنها اعراب کعب (بزبان عامیانه چعب)
هستند که در اصل از ۷۲ قبیله متشکل بودند . اغلب آنها از بین رفته اند ولی
تعداد این نژاد در خوزستان از همه بیشتر است و بالغ بر ۶۲ هزار می باشد . گفته
شده است که در اصل از ساحل عربی خلیج فارس بنواحی باطرافی بین دجله و
فرات مهاجرت کردند و رعیت عثمانی شدند . بعداً بسوی جنوب نقل مکان کرده
و در کنار کانالی از رود کارون مستقر گردیدند . سپس بطرف رود جراحی حرکت
کردند و باقبیله افشا مصادف شدند . (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۳۲۰ - ۳۲۲).

اعراب کعب تمام ناحیه بین محمره و رود کارون در سمت مشرق بطرف هندیان که مسافت آن یکصد میل است اشغال کرده‌اند. در اثر اقامت طولانی در خاک ایران اعراب کعب بسیاری از خصوصیات ملی خود را از دست داده‌اند. با ایرانیان ازدواج کرده و بمذاهب شیعه گرویده‌اند و لباس ایرانی می‌پوشند. (جلد ۲ - ۳۲۷ - ۳۲۸).

افشار

- ۱ - یکی از نیرومندترین قبایل ترك زبان - در سراسر ایران ولی بخصوص در آذربایجان پنخس هستند تعداد آنها ۲۸ هزار نفر است (شوبرل، ص ۲۰).
- ۲ - گندوزلو یکی از قبایل ترك از قایل افشار هستند (لابارد ص ۷۰).
- ۳ - لایارد میگوید گندوزلوها یکی از قبائل بختیاری از افشار های ترك می‌باشند (هوسی - ص ۱۲۲).
- ۴ - قبیله قزلباش ترك از ۱۲ هزار خانوار متشکل است. در آذربایجان سکنی دارند. احتمال می‌رود در قرن یازدهم میلادی به ایران آمده باشند (هتوم - شیندلر - ص ۴۸ بعد).
- ۵ - یکی از بزرگترین قبایل ترك در شمال و شمال غربی ایران (گوزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۲۷) اعراب کعب در پیشروی بسوی رود جراحی با یکی از قبایل افشار که مرکز آنها در کنار آن رودخانه بود تصادم کردند (جلك ۲ ص - ۳۲۰ - ۳۲۲) دائرةالمعارف بریتانیا قبل از ۱۸۹۲ قبایل افشار و قاجار خراسان را زیر عنوان تاتار آورده است. تعداد آنها صد هزار است (جلك ۱ - ص ۱۷۹).
- ۶ - متعاقب ترکها قبایل افشار از شمال ایران بسمت مغرب مهاجرت کردند (هدون - ص ۱۹۷).

افغان

- ۱ - پس از حمله افغانها جمعیت ایران رو بنقصان گذاشت (ملکم - جلد ۲ - ص ۵۱۸-۵۲۱) اولاد قبائل افغان در خراسان سکنی دارند (جلد ۲ - ص ۲۱۶).
- ۲ - از ایرانیان نیستند ولی آریائی و با آنها قرابت دارند. از مردم نیمه بادیه نشین ایران بعضی افغان هستند (پریچارد ص ۱۷۱).

فهرست قبائل و گروه‌های نژادی - ۲۳۳

- ۳ - اندازه سر : شاخص سر ۲/۲۶ (دوخانیف ص ۵۹ و ۶۳) فده ۱۴۰۰ -
 ۱۵۰۰ معمولی‌تر از ۱۶۰۰ - ۱۷۰۰ . ماسون فقط بیک زن زال که خیلی
 بندرت دیده میشود اشاره می‌کند (ص ۱۰۳-۱۰۵). چشم کردها بزرگتر از چشم
 افغانها است (ص ۱۰۷ - ۱۰۸) . اگرچه افغانستان تحت نفوذ ایران و هند بوده
 افغانها را باید بین ترکمنها و مغولها قرار دارد زیرا نه تنها مانند مغول سر کوتاه
 هستند بلکه دارای آرواره پیش آمده نیز هستند. برای جدول اندازه گیریها ومیانگین-
 های افغانها و خلجی هارجوع شود به ص ۱۳۳ - ۱۳۹ .
- ۴ - ملیتهای عمده افغانستان عبارتند از افغان - پاتان - غلزائی - تاجیک
 و هزاره و همچنین ازبک در ساحل جنوبی سیمون و کافر در کوهپایه های جنوبی
 هندوکش . بعضی روایات افغانها را بسوریه منتسب می‌دارد (بلیو ص ۱۳ - ۱۶).
 افغانهایماینده ساکنین باستانی هندوستان هستند . موطن اصلی آنها قندهار
 و دره های ارغنداب است (ص ۱۰۹ - ۱۱۰).
- ۵ - آریائی با شاخص سر ۱۹/۷۶ و ۱۵/۷۳ می‌باشد (هوسی ص ۱۱۰).
 ۶ - مو و چشم سیاه و قیافه تیره و اخمو از خصایص کرد های ایرانی
 است که شامل افغانها نیز می‌شود (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۵۵۳). بلوچها
 هیبت افغانها را ندارند اگرچه مانند آنها موی سیاه و بلند و مجعد که اغلب
 با روغن چرب می‌کنند دارند (جلد ۲ - ص ۲۵۸ - ۲۵۹) .
- ۷ - افغانها زمانی ساکن نواحی کوهستانی مازندران بودند (دایلو . ستون
 ۱۰ - ۱۹ و ۲۶ - ۲۸) افغانها از نظر اندازه سر شبیه ایرانیان هستند (ستون
 ۱۳۵) . بموجب نظریه کاترفاژوحمی جمجمه افغانها تا حدی شبیه جمجمه ساکنین
 قدیم قفقاز است (ستون ۱۴۵) .
- ۸ - افغانها ایرانی هستند (اوچفالوی . ص ۴۴).
- ۹ - افغانها ایرانی هستند (ریپلی - ص ۴۴۲ - ۴۵۲).
- ۱۰ - افغانها یکی از عناصر جمعیت ایران می‌باشند (فین ص ۳۲ - ۳۳).
 ۱۱ - جمعیت افغانستان متشکل است از پاتانها و در مغرب افغانها یا اوغانها :
 ریشه این کلمه نامعلوم است و اولین بار بوسیله بیگانگان بآنها اطلاق شده است.
 افغانها از حیث نژاد آریائی و حلقه بین هند و ایران محسوب میشوند . سنی
 هستند . تقریباً همه افغانها زبان فارسی میدانند و به آن تکلم میکنند (سایکس

۷۲۴ - مردم شناسی ایران

۱۹۲۱ - جلد ۲ - ص ۲۱۶ - ۲۱۸).

۱۲ - بلوچها را معمولا با افغانها خویشاوند محسوب میدارند ولی افغانها اصولا از طبقه سردراز هستند (هدون ص ۱۰۳).

۱۳ - خانواده‌های افغانی در کرمانشاه و اصفهان و کرمان و مرز بلوچستان ریشه گرفته‌اند (ویلسون ۱۹۳۲ ص ۳۳ - ۳۴).

امامقلیخانی

از قبایل بادیه نشین قشقائی (ترك) فارس و لارستان ۱۸۷۵ (گرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ ص ۱۱۲ - ۱۱۴).

انصاری

«مسیحیان کوچک». از طبقه خیلی سرکوتاه در شمال سوریه. (ریپلی ص ۴۴۲ - ۴۵۲).

انیالو

قبیله ترك قزلباش فعلا عمده ترین شعبه شاهسونند (هتوم - شیندلر - ص ۴۸ بعد).

اورامر

کرد آذربایجانی عده‌ای از آنها در تابستان بداخل مرز ایران می‌آیند (گرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۵۵۵ - ۵۵۷).

اوردشیری

از قبایل بادیه نشین قشقائی (ترك) فارس و لارستان ۱۸۷۵ (گرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۱۱۲ - ۱۱۴).

اوست

۱ - آریان هستند با ایرانیها قرابت دارند ولی از آنها نیستند (پریچارد ص ۱۷۱).

فهرست قبائل و گروه‌های نژادی - ۲۲۵

۲ - ت شمال غربی حد اراضی اقوام ایرانی زندگی میکنند . از لحاظ خصوصیات مشابه لژیها هستند . مردم زحمت کش نیرومندی هستند . در ظاهر خارجی آنها هیچ چیز نیست که دلیل رابطه آنان با ایرانیان جنوبی باشد . قوی و چهار شانه و سنگین هستند . اغلب موبور یا مو قرمزند چشم کوچک غالباً آبی به بینی عقابی و نوک تیز - گوش و دست و پا نسبتاً بزرگه خود را ابرون می نامند و زبان آنها اثر اصل ایرانی نشان میدهد . معمولاً متوسط قد هستند ولی افراد خیلی بلند با نیروی هر کولی در میان آنها نادر نیست (دوخائیکف ص ۱۱۳ - ۱۱۴) اندازه ها (ص ۱۳۹) . بطور کلی اوستها سر دراز و پشت سر صاف دارند پیشانی آنها بلند است (ص ۱۳۹).

۳ - اوستها از نوع سر متوسط هستند (دائیلو - ستون ۱۴۵).

۴ - ممکن است اوستها ایرانی باشند (ریپلی ص ۴۴۲ - ۴۵۲).

اوستاجالو

قبیله ترك قزلباش . عده زیادی از آنها باقی نمانده - در آذربایجان زندگی میکنند (هتوم - شیندلر ص ۴۸ ببعد).

اوکسیان

۱ - تصور می رود خوزستان مشرق از اواجاست بومیایی که در کتیبه ای میخی از آنها ذکر شده است . شاید اوکسی استرابو و پلینی از همانها باشند (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۲۲۰).

۲ - هوسی یا کوسی همان اوکسیانهای یونانی هستند (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۱ - ص ۵۰ - ۵۳).

اوملیاش

موطن در ایلام . ساکن ناحیه بین کرخه و دجله (سایکس ۱۹۲۱ - ص ۵۰ - ۵۳).

ایرانیان

۱ - شرح کلی ایرانیان ۴۰۰ قبل از میلاد باید شامل همه ایرانیان هخامنشی

نشود (لارنس).

۲- تنها ایرانیانی که در کتاب مقدس از آنها ذکر شده مدیها هستند (دوخایکف ص ۴۳) شکل سر نوع ارانی: ظرفیت مغز نسبتاً زیاد - طول آن تقریباً يك برابر و نیم عرض - ارتفاع آن کمتر از سر سامی ولی بلند تر از تورانی - استخوان پیشانی کم نمو کرده - جمجمه نسبتاً صاف از بالا و پشت سر صاف (ص ۶۲) - جمجمه سامی در مقام مقایسه با جمجمه ایرانی ظرفیت کمتر دارد و از حیث طول و عرض کوچکتر ولی از ارتفاع زیادتر است (ص ۷۱) بنا بر این نژاد ایرانی باید مشرق ایران باشد بین جمعیت شرقی و غربی امپراطوری اختلاف زیاد وجود دارد (ص ۷۳) - در میان نژاد ایرانی مو خیلی زیاد است (ص ۱۰۳ - ۱۰۵) - نفوذ ایرانی از چشمان درشت نشان داده می شود - ارمنی ها ایرانی هستند که با نژاد سامی و ترك مخلوط شده اند - سر ایرانی از نوع سر دراز است (ص ۱۱۱) - اوت ها که در دشتهای شمال قفقاز مستقر شدند بزودی نوع ایرانی بخود گرفتند - بینی عقابی نادرتر شد اوت ها از قبائل بدوی ایرانی بودند - هیچ چیز در ظاهر اوت ها نشانه ارتباط با ایرانیان جنوب نیست ولی در زبان آنها آثار نفوذ زبان ایرانی وجود دارد (ص ۱۱۳-۱۱۴) -

۳ - نژاد آریان یا ایرانی قبل از عرب و ترك و تاتار در ایران وجود داشته (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲، ص ۲۷۴) - در فارس شخص با نوع ایرانی کمتر مخلوط مواجه میشود و این مطلب از قیافه خوش برش و تیره تر مردم آشکار است (جلد ۲ ص ۱۰۳) - عناصر ایرانی در سیستان ایران بنام تاجیک وجود دارند (جلد ۱ - ص ۲۲۸) - نژاد اصلی خراسان ایرانی بود و متشکل است از تاجیک و کرد و بلوچی - عده کل آنها ۶۶۰،۰۰۰ نفر (جلد ۱ - ص ۱۷۹) در نزدیکی شهر مشهد عنصر ایرانی بر سایر نژادها تفوق دارد. (ص ۱۹۸)

۴ - در ایالت خمسه قبایل دارای خصوصیات نژادی ایرانی هستند - شاخص سر تاجیکها با شاخص سر ایرانیان از این حیث فرق دارد که آنها سر کوتاه هستند کردها ایرانی هستند بعلا آنکه زبان و شکل سر آنان با ایرانیان شبیه است. در میان قبایل مرکزی ایران عناصر نژاد ایرانی تفوق دارند (دانیلو-ستون ۱۰-۱۹ و ۲۶-۲۸) -

۵ - کلمات ارانیان و ایرانیان تولید اشتباه میکنند - تشخیص بین ارانیان شمال شرق و ارالیان فلات ایران با ایرانیان لازم بنظر می رسد تا بتوان بومیان سفید

فهرست قبائل و گروه‌های نژادی - ۲۲۷

یوست باختر (باکتریا) و سغدیان و فرغانه را از ایرانیان ایران و افغانستان و غیره جدا کرد. در میان ایرانیان فقط يك نوع تیره رنگ وجود دارد درحالیکه در بین دیگران يك نوع نور در تشکیل آنها نقش بازی کرده است. ایرانیان را ایرانیان باختر و قبائل کالیچای پامیر و شمال هندو کش مینامیم (اوجفالوی ص ۴۴).

۶- کردها از حیث زبان و خصوصیات جسمانی ایرانی هستند. نژاد ایرانی شامل ایرانیان و کردها و شاید اوست‌ها و عده زیادی قبایل آسیائی از افغان گرفته تا هندو میشود. اصولاً سردراز و مو تیره هستند و اجداد و نژاد مدیترانه می‌باشند. از راه مصر بافریقا نیز راه یافته‌اند. صورت باریکتر و قد کوتاهتر از نوع ارمنی دارند. در ایران ایرانیان خالص فقط در میان فارسیهای حوالی تخت جمشید و در میان لرها پیدا میشود (ریپلی - ص ۴۴۲ - ۴۵۲).

۷- عناصر ایرانی و هندی نژاد ایران تا سال ۱۳۵۰ قبل از میلاد از هم جدا نشده بود (سایکس ۱۹۲۱ جلد ۱ - ص ۹۵ - ۹۹).

۸- بندهش نظریه ایرانی پیدایش جهان را تأیید میکند. هوشنگ جد ایرانیان بود و چون پیشداد خوانده میشد سلاطین اولاد پیشدادیان نامیده شدند (۱۹۱۹ - ص ۷۳۳).

۹- زمانی اقوام ایرانی سرزمین عظیمی را اشغال کرده بودند که شامل ترکستان چین نیز میشد. بچین مهاجرت کردند و بر ممالک نژاد دیگر مانند ترکها و چینی‌ها نفوذ عمیقی را اعمال نمودند. ایرانیان بین شرق و غرب نقش میانجی بزرگ بازی کردند و گیاهها و کالا از چین بمدیترانه انتقال دادند. (لوفر ۱۹۱۹ - ص ۱۸۵).

۱۰- ایرانیان فلات ایران و نواحی مجاور آنرا در اشغال دارند. این نژاد متشکل است از نژاد آسوری مخلوط با عناصر ترکی در ایران و ترکیه باهند و افغانی در افغانستان و با عرب و سیاهپوست در جنوب ایران و بلوچستان جنوبی مهمتر از همه خود ایرانیان هستند که میتوان آنها را بفارسیها و عجمی‌ها و تاجیکها تقسیم کرد (دنیکر ص ۵۰۵ - ۵۰۶).

۱۱- شاخه ایرانی آریانها در ایران ماندند. در قرن نهم قبل از میلاد بادیه نشینان ایرانی در آترمان که بعدها ماد نامیده شد ظاهر شدند (ورل ص ۲۱-۱۲۶).

۱۲- ایرانیان غربی یا ایرانیان خالص همه جا در آسیای مرکزی تاجیک و در مغرب ایرانیها ذات شناخته میشوند (حسن ص ۷۹).

- ۱۳ - ترکمنها گروهی از ایرانیان ترك هستند (بکستون ص ۶۲۳).
- ۱۴ - مردم ایرانی آسیای مرکزی اولین گروهی هستند که بین چین و مغرب رابطه برقرار کردند (رید ص ۵۹) .
- ۱۵ - دومین گروه آریانها که مهاجرت کردند . نام آنها مشتق است از آریان نام خشاترام^۴ یعنی امپراطوری آریانها اولین بار در نوشته های آسوری ۸۳۶ - ۸۳۵ قبل از میلاد ظاهر می شوند. در ۷۵۵ قبل از میلاد هنوز قبایل ایرانی در حال حرکت بودند (هرتسفلد ۱۹۳۵ - ص ۶ - ۱۰) .
- ۱۶ - ایرانیان نفوذ قوی در دلتای تاریم و قسمت علیای ینی سئی اعمال کردند (تالکرن - ص ۹۰)
- ۱۷ - نام ایران بر مردم ایرانی زبان پس از استقرار در فلات اطلاق میشود و نمی توان آن را بساکنین اولیه آن اطلاق کرد (هرتسفلد و کیت ص ۴۲ - ۵۸) .

ایکدر

- از قبایل بادیه نشین قشقائی (ترك) ۱۸۷۵ و ۱۸۹۰ (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۱۱۲ - ۱۱۴).

ایلامی

- ۱ - کتاب عزرا (۱۷ - ۹) بین سوزانکی ها یا ساکنین دشتهای اطراف شوش و ایلامها یا ساکنین کوهستان فرق قایل میشود . در زمان تسلط ایرانیان نام این ایالت اواج بود در قرون وسطی خوزستان یا مملکت خوز یا جزها نامیده شد (کرزن ۱۹۲۱ - جلد ۱ ص ۵۰) .
- ۲ - نویسندگان معتقد است که ایلامیها و همسایگان شمالی آنها کاسکسائیها و الیپی در سمت مشرق و لولوبی در سمت شمال و اورارتوها که همه مردمان مرز غربی فلات را تشکیل میدهند و بدلائل باستان شناسی لا اقل قسمت عمده ساکنین فلات متعلق بیک گروه نژادی و زبانی میباشند و این گروه منسوب بساکنین بومی بین النهرین (غیر از عراق) و قسمتی از آسیای صغیر هستند چه آنها را هیتیایی باهری یا سوربارتانی یا هیتی مینامند . البته این نظر هنوز قابل اثبات نیست و مورد قبول واقع نشده است .

فهرست قبائل و گروه‌های نژادی - ۷۲۹

ایمک

یگانه مغول‌هایی که اکنون در حدود قدیم ایران هستند - هزاره و ایمک در قرن چهاردهم میلادی با بجا آمدند (برینتون - ص ۴ - ۵) .
همچنین رجوع شود به چهار ایمک

باجری

رجوع شود به باصری

باصری (بجری - بصیری)

- ۱- از قبایل بادیه نشین‌خمس (عرب) فارس و لارستان ۱۸۷۵ و ۱۸۸۹-۱۸۹۰ (گرزن ۱۸۷۲ - جلد ۲ ص ۱۱۲-۱۱۴) .
- ۲- یکی از پنج قبایل‌خمس از نژاد ترك (سایکس ۱۹۲۱- جلد ۲ ص ۴۷۹) .

باویه

یکی از قبایل عرب خوزستان که تعداد افراد ذکور آن متجاوز از ۵۰۰ نفر است (گرزن ۱۸۹۲- جلد ۲ - ص ۳۲۰ - ۳۲۲) .

بختیاری

- ۱ - قسمتی از گروه لر زبان ساکن نواحی کوهستانی مرز ایران و ترکیه و مستقل از هردو (سوبرل ص ۲۰) .
- ۲- مهاجرت آنها احتمالاً بعد از قرن سیزدهم انجام گرفت . از بند و فی و دناروفی و قبایل دیگر متشکلند (لایارد ص ۷۰) .
- ۳- اندازه جمجمه بختیاری (دوهوسه ص ۲۳ - ۲۴) .
- ۴ - جمجمه بختیاری که دوهوسه اندازه گرفته خیلی شبیه تهرانی‌ها است ولی قطر عمودی بزرگ که قسمتی از آن مصنوعی است حاکی از نفوذ شدید سامی است (دوخانیکیف - ص ۱۰۹) اندازه‌های سر با شاخص سر ۹۰/۶ (ص ۵۹ و ۶۳) . بین بختیارها و بلوچها شباهت وجود دارد (ص ۱۰۸) .
- ۵ - زیر عنوان مغول و سامی ثبت شده است . ساکن نواحی کوهستانی

بین لرها و فارسها. دوهوسه عقیده دارد که بختیارها نتیجه اختلات و امتزاج سیت‌های تورانی با سامیهای بابل - آسور میباشند. دوهوسه خصوصیات عمده آنها را علاوه بر سر کوتاهی شکل قسمت عقب جمجمه میداند که بطور عمودی پائین میآید. این صافی قسمت عقب جمجمه بدون شك نقص مصنوعی است که در کودکی بوجود آمده است. بختیارها يك گروه واحد نیستند و قبایل مختلف اصل و منشاء یکسان ندارند. طبق نظر لایارد بندونیا از بومیان اولیه هستند که با سوریهای مخلوط شده‌اند. و لارونیا در حدود سال ۱۸۳۰ از اصفهان به ملامیر آمدند. کند - وزلرها از افشار ترکند و جانکی‌ها که بین ملامیر و رامهرمز زندگی میکنند نیز ترك هستند. سلسله جبال که پناهگاه اجباری قبایل مختلف است محل اختلاط افراد بی‌شمار نژاد ایران و توران و سامی می‌باشد. عنصر تورانی در بعضی جاها قوی و در بعضی نقاط ابدأ مشهود نیست (هوسی ص ۱۲۱ - ۱۲۶) اندازه های جانکی نسبت به همه گروه بختیاری قابل تطبیق است (ص ۱۲۲). اندازه های يك بختیاری دو رگه (ص ۱۲۷). اندازه بینی يك بختیاری (جانکی) (ص ۱۳۳). ساکن کوهستان نزدیک شوش میباشند (۱۳۶ - ۱۳۷). نقص غیر طبیعی جمجمه هنوز میان بختیارها وجود دارد (ص ۱۴۰ - ۱۴۲).

۶ - زنان بختیاری زیبایی مخصوصی دارند: چشمان تاریک دراز - ابروان مشخص و کشیده - بینی صاف برجسته - دهان پهن با لبان نازک - چانه دراز راست و گیسوان مشکی انبوه (پیشاپ - جلد ۱ ص ۳۱۶).

۷ - هتوم - شیندار تعداد بختیارها و لرهای ایران را ۴۶۸۰۰ فامیل ذکر می‌کنند (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۴۹۲ - ۴۹۴). بختیارها از شعب لرها هستند و تحت عنوان لك طبقه بندی می‌شوند (جلد ۲ ص ۲۶۹ - ۲۷۰) ریج می‌گوید بختیارها کرد هستند. بعضی معتقدند بختیارها از بقایای کلنی یونانی هستند. کافست بدائیم از نژاد آریان هستند و قرن‌ها است در محل کوهستانی فعلی ساکنند. در ۱۳۸۶ رالینسون تعداد کل بختیارها و متعلقات آنها را ۲۸۰۰۰ فامیل ذکر کرده است. در ۱۸۳۴ لایارد آنها را ۳۷,۷۰۰ فامیل و سر شماری ۱۸۸۱ تعداد آنان ۱۷۰,۰۰۶ نفر ۸۰۰۰۰ بختیارها را ذکر کرده است (جلد ۲ - ص ۲۷۳ - ۲۷۵). بختیارها در مجاورت منطفق حویزه زندگی میکنند. لباس و قیافه آنان مشابه است و رنگ پوست آنها تیره است موی آنها مشکی است و دو حلقه موی

فهرست قبائل و سر وههای نژادی - ۷۳۱

مجموعه پشت گوش قرار می‌دهند. ابروان پرپشت مشکی و چشمان براق و ریش و سبیل سیاه و شب کلاه سیاه بر سر و مردان کت سیاه و زنان لباس آبی تیره پرتن دارند. مردها نیرومند و هیكل مردانه دارند. زنها بلند قد و سبزه و خوش قامت هستند. (جلد ۲ ص ۳۰۰).

قشقایها فرق زیادی با بختیارها ندارند. در حدود سال ۱۸۷۰ پنجهزار فامیل به بختیارها ملحق شدند (جلد ۲ ص ۱۱۲-۱۱۴).

۸ - بختیارها از نژاد مختلط هستند و از خصوصیات آنها سر کوتاه است و از این حیث در درجه بعد از تاجیکها واقع شده‌اند (دانیلو، ستون ۱۰-۱۹ و ۲۶-۲۸). قد ۱۷۱/۵ شاخص سر ۸۸/۴ (دانیلو).

۹ - در تابستان قشقایها به‌حوالی قمشه می‌روند و در آنجا نزدیک بختیارها هستند (سایکس ۱۹۲۱ - ص ۴۷۷-۴۷۸).

براهوئی

- ۱ - آریائی منسوب بایرانیان ولی متعلق بآنها نیستند (پریچارد - ص ۱۷۱).
- ۲ - قبیله سنی ساکن سرحد (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۲۶۲-۲۶۳).
- ۳ - قبیله براهوئی بلوچستان تیره رنگ و از نژاد دراویدی بودند. سبزه تر و کوتاه تر و چهارشانه تر از بلوچها هستند (سایکس ۱۹۰۲ ص ۳۴۲-۳۴۳).
- ۴ - زبان براهوئی از نوع زبان دراویدی است ولی از لحاظ اندازه های جسمانی بلوچی هستند. براهوئی سراوان شاخص سر ۸۱/۵ - شاخص بینی ۷۰/۹.
- ۵ - بادیه نشینان براهوئی منطقه شرقی بخصوص نزدیک کلات شبیه ایرانیانند. (دنیکر ص ۵۰۸).
- ۶ - در بلوچستان نمونه دراویدیها (براهوئیها) عبارتند از قنبرانی و منگال یا مونگال (مکمون - ص ۷).

بربری

از نژاد مغول. مهاجر از افغانستان. در ادبیات اروپائی آنها را هزاره میخوانند. از لحاظ نوع جسمانی مغول خالص هستند و شبیه قبائل کلموک و قرغیز و سایر مردم آسیای مرکزی میباشند. کوتاه قد و قوی هیكل و فیافه نسبتاً

روشن . ریش آنها تنك و خشن است (ایوانو - ص ۱۵۵).

بكتاش

- ۱ - نیمه مسیحیانی که در بعضی نواحی اناطولی جمعیت شهرها را تشکیل میدهند و از لحاظ خصوصیات جسمانی شبیه تاجادشی می باشند (ربیلی - ص ۴۴۲-۴۵۲) .
- ۲ - فن لوشان آنها را (بكتاشی) نمایندۀ هیتی های باستانی میداند هیتی (ص ۱۵) .

بلوچ

- ۱ - بلوچها آریائی و با ایرانیها قرابت دارند ولی از آنها نیستند (پریچارد ص ۱۷۱) .
- ۲ - شبیه بختیاریها هستند (دوخایکف - ص ۱۰۸) . اندازه های جمجمه بلوچی (ص ۱۳۳ - ۱۳۹) .
- ۳ - طبق نظر هتوم - شیندلر تعداد بلوچها و کولیها ۴۱۴۰ خانوار است (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ ص ۴۹۲ - ۴۹۴) . اکثریت آنها اسکان یافته اند (جلد ۲ - ص ۲۶۹ - ۲۷۰) . ساکنین عمدۀ فعلی سیستان ایران شامل بلوچها است که قبایل عمدۀ آنان در سیستان سربندی و شاهرکی است . (جلد ۱ - ص ۲۲۸) . از قبائل عمدۀ بلوچستان هستند و خود را از نژاد عرب و قبیله قریش می دانند ولی قیافه و زبان آنها که آریائی و شبیه پهلوی و فارسی باستان است این مطلب را تأیید نمی کند . یائینگر آنها را از نژاد ترکمن یعنی سلجوق و ترک می داند . بلوچ آنها را با بالاچه از نژاد هندی منسوب میداند . در بعضی نواحی اختلاط با هندو و سیاه افریقائی آشکار است . يك بلوچ عادی مانند افغانی پر هیبت نیست اگر چه مانند آنان موی بلند مجعد دارد که اغلب با روغن چرب شده است . بلوچها عشق و علاقه شدیدی به استقلال قبیله ای دارند و از ایرانیان که آنها را قاجار می خوانند نفرت دارند (جلد ۲ ص ۲۵۸ - ۲۵۹) قبایل بلوچی سرحد سنی هستند . (جلد ۲ - ص ۲۶۲ - ۲۶۳) . در دایرةالمعارف بریتانیا قبل از ۱۸۹۲ بلوچهای خراسان را زیر عنوان ایرانیان صورت داده و تعداد آنها را ده هزار نفر ذکر کرده است (جلد ۱ ص ۱۷۹) .

فهرست قبائل و گروه‌های نژادی - ۷۳۳

- ۴ - در خراسان افراد قبائل بلوچی وجود دارند (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۲ ص ۳۹۲).
- ۵ - معمولا بلوچها را منسوب به افغانها میدانند ولی در طبقه‌سر کوتاه متوسط قرار دارند و میتوان آنها را هند و ایرانی خواند . براهوئی ها از لحاظ اندازه‌های بدنی بلوچی محسوب میشوند (هدون ص ۱۰۳) .
- ۶ - بلوچها به نژاد هندو افغانی تعلق دارند . در جنوب با اعراب و در مشرق با جاتها و هندوها . و در شمال غرب با ترکها و در جنوب غرب با سیاه پوستان مخلوط شده‌اند رندهای مکران که بلوچی خالص بشمار می آیند از قبيله عرب کترتان هستند (دیسکر ص ۵۰۸).
- ۷ - بلوچهای بادیه نشین که اصلا از ایرانیان هستند با ایرانیها و ترکهای فعلی فرق دارند قد آنها معمولا کوتاهتر و قیافه آنها نا منظم تر و زاویه صورت خیلی تیزتر است (ایوانو ص ۱۵۲) .
- ۸ - قطعی است که در طی ده قرن گذشته عنصر بلوچی بسمت مغرب و گوشه جنوب غربی ایران بسط یافته است (ویلسون ۱۹۳۲ - ص ۶۹ - ۷۰).

بنجت

- قبيله ترك که در کلات نادری ساکنند (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ ص ۱۳۹) .

بندونی

- ۱ - یکی از قبایل کوچکتر بختیاری - بومی - طبق روایات از سوریه مهاجرت کرده‌اند (لایارد - ص ۷) .
- ۲ - نقل نظر لایارد در باره اصل نژادی بندونی (هوسی ص ۱۲۲).

بندیه

- سر کوتاهی آنان بیش از هزارها است ولی شاخص بینی آنها ۵۸/۹ و از نژاد بامیری هستند (هدون ص ۱۰۳) .

۷۳۴ - مردم‌شناسی ایران

بنی رشید

از قبایل عرب خوزستان که تعداد افراد ذکور آنان متجاوز از ۵۰۰ است (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۳۲۰-۳۲۲).

بنی صالح

از قبایل عرب خوزستان که تعداد افراد ذکور آن متجاوز از ۵۰۰ است (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۳۲۰-۳۲۲).

بنی طرف

از قبایل عرب خوزستان که تعداد افراد ذکور آنان بیش از ۵۰۰ است (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۳۲۰-۳۲۲).

بنی لام

بنی لام قبیله عرب درخاک عثمانی در مرزهای غربی خوزستان است (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۳۲۰-۳۲۲).

بوآنچی

- و جلالوند از قبایل کرد کرمانشاه زیر فرمان سرتیب کردی - تعداد خانوار هزار (کرزن ۱۸۹۲ جلد ۱ - ص ۵۵۷).

بودایی

- ۱- یکی از قبایل مدیها (هرودوت I - ۱۰۱).
- ۲- شاید تورانی (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۱ - ص ۹۵-۹۹).

بوسای

- ۱- یکی از قبایل مدیها (هرودوت I - ۱۰۱).
- ۲- شاید آریائی (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۱ - ص ۹۵-۹۹).

فهرست قبائل و گروه‌های نژادی - ۲۳۵

بولی

یکی از قبایل بادیه‌نشین قشقایی (ترك) در فارس و لارستان ۱۸۹۰ (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۱۱۲-۱۱۴).

بهادرخانی

یکی از قبایل بادیه‌نشین قشقایی (ترك) فارس و لرستان ۱۸۷۵ (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۱۱۲-۱۱۴).

بهارلو

- ۱- از قبایل بادیه‌نشین خمسه (عرب) فارس و لارستان ۱۸۷۵ و ۱۸۸۹ - ۱۸۹۰ (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۱۱۲-۱۱۴).
- ۲- اصلا یکی از شعب شاملو (سوریه) - اکنون جدا و متشکل از ۲۵۰۰ خانوار ساکن فارس و آذربایجان. در فارس آنها را بعلت آمدن از سوریه عرب می‌دانند (هتوم - شیندلر ص ۴۸ - ببعد).
- ۳- یکی از پنج قبیله خمسه از نژاد ترك (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۲ - ص ۴۷۹).

بهارمحمدان

اندازه‌های جمجمه (دو خالی‌کف - ص ۱۳۳-۱۳۹).

بیات

قبیله بادیه‌نشین که بزبان ترکی آذربایجانی بشکل جغتایی تکلم می‌کنند. قبیله قزلباش ترك. در جدول رشیدالدین در میان قبائل قانار ذکر شده‌اند. بعضی در آسیای صغیر و برخی در ایران مستقر شدند. در بخشی در شمال پروچرد و خرم‌آباد سکونت دارند. بعضی از آنها در فارس و خراسان هستند و بعضی بایل قاجار ملحق شده و قبیله شامبیاتلو را تشکیل داده‌اند (هتوم - شیندلر - ص ۴۸ - ببعد).

بین‌الحاج

یکی از قبایل خوزستان که تعداد افراد نکور آن متجاوز از ۵۰۰ نفر

است (کرزن ۱۸۹۲ جلد ۲ - ص ۳۲۰-۳۲۲).

پاتان

- ۱- یکی از عناصر عمده جمعیت افغانستان (بلیو ص ۱۳۰).
- ۲- جمعیت عمده مرزهای هندوستان و مغرب افغانستان پاتان نامیده می- شوند. لانگورث دیمز میگوید پاتان اصطلاحی است که افغانها به بیگانگان اطلاق میکنند (سایکس، ۱۹۲۱- جلد ۲- ص ۲۱۶-۲۱۸).
- ۳- اچکزائی - پانی - و کاکا پاتان به نوع هند و ایرانی تعلق دارند (هدون ص ۸۶).

پارتاسنی

- ۱- یکی از قبایل ماد (هرودوت I - ۱۰۱).
- ۲- ممکن است آریان باشند (سایکس - ۱۹۲۱- جلد ۱- ص ۹۵-۹۹).

پارتی‌ها

- ۱- ساکن نواحی کوهستانی شوش بودند؛ مردم ناحیه اورال والتای با شاخص سر ۸۰-۸۴ (هوسی ص ۱۳۶-۱۳۷). بررسی پنج جمجمه پارتی که در شوش حفاری شده نشان داد در میان آنها يك پارتی - سیاهپوست و يك ایرانی و يك نفر که نقص مصنوعی داشت و شاید رسمی بوده است که از توران آورده بودند وجود داشت (ص ۱۴۰-۱۴۳).
- ۲- بنظر میرسد که بعضی از مهاجمین مخلوطی از قبایل سفید و زرد (سیت‌ها و پارتی‌ها) بودند (ورل ص ۴۴).
- ۳- پارتاوا - پارتیها اولین بار در زمان سناکریب و اسارهادون شناخته شدند. آسوریها در اول بین پارتیها و ایرانیها فرقی قائل نبودند (هرتسفلد ۱۹۳۵ ص ۶-۱۰).

پارسا

داریوش خود را پارسا یعنی ایرانی خالص میخواند. ممکن است نام قبیله

فهرست قبائل و سرودهای نژادی - ۲۲۷

صحيح پاسارگاد باشد (لارس یادداشت به هرودوت I-۱۲۵).

پارسی

- ۱- بنا بنوشته هتوم- شیندلر در ایران ۸۰۰۰ پارسی است (کرزن ۱۸۹۲ -جلد ۲ - ص ۴۹۲ - ۴۹۴) سرشماری ۱۸۷۸ تعداد پارسیهای کرمان را ۱۳۴۱ نفر معین کرد (کرزن - جلد ۲ - ص ۲۴۴) در بزد بین ۳۵۰۰ تا ۷۰۰۰ کبیر یا پارسی زندگی میکنند . در سال ۱۸۲۹ شیندلر ۱۲۴۰ نفر پارسی در شهر و ۵۲۴۰ نفر در ۲۲ ده اطراف شهر یافت (جلد ۲-ص ۲۴۰-۲۴۱).
- ۲ - کبیرها منسوب به پارسیهای هند هستند (دانیلو ستون ۱۰ - ۱۹ و ۲۶-۲۸).
- ۳ - در میان طبقات جامعه ایران اولاد ایرانیان باستان و شامل پارسیها هستند که نماینده مادها میباشند (فین ص ۳۲-۳۳).
- ۴ - نوع قدیمی تاجیک شهر نشین در پارسیها که در ۶۴۰ میلادی بهندوستان مسافرت کردند حفظ شده است (هدون ص ۱۰۲-۱۰۳).
- ۵ - پارسیها که از طبقه سر دراز (۷۷/۹) و قد متوسط (۱۶۵/۰) هستند از نوع آسوری یا هندو افغانی میباشند (دیکر ص ۵۰۷).
- ۶ - بزد مرکز عمده پارسیها و کبیرها است (علی شاه ص ۲۰-۲۱).

پارسیان (ایرانیان)

- ۱ - ساکن کشوری هستند که تا جنوب دریای اریتره بسط دارد (هرودوت IV-۳۷) از قبایل بسیار تشکیل یافته اند (I - ۱۲۵) . مجموعه آنها با مقایسه با مجموعه مصریها ترد و ضعیف است زیرا ایرانیها کلاهی بنام تیارا بر میگذارد (III - ۱۲).
- ۲ - تقریباً همه قد و هیکل کوچک و صورت تیره یا پریده رنگ دارند . با هیبت هستند . چشمان بز مانند و ابروی کمائی و پیوسته و ریش انبوه و موی دراز دارند (مارسلینوس XXIII - ۶ و ۷۵ و ۸۰) .
- ۳ - کبیرها مانند ایرانیان امروز از نوع نسبتاً خشن هستند (پیترو دولواله ص ۱۰۵-۱۰۶).

- ۴ - نژاد ایران طبیعتاً خشن است . نژاد باستانی و ناقص شبیه مغولها بودند زیبایی که در میان ایرانیان عصر حاضر وجود دارد میراث کنیزان چرکسی و گرجی است (شاردن ص ۳۴).
- ۵ - يك كتاب نسخه خطی متعلق بزمان شاه سلطان حسین جمعیت ایران را ۲۰۰ میلیون نفر تخمین زده است . تخمین‌های دیگر عبارت است از شاردن ، ۴۰ میلیون - نینکرتن جمعیت قندهار را ۴ میلیون و مغرب ایران ۶ میلیون نفر ذکر میکنند که احتمال می‌رود مقرون بحقیقت باشد (ملکم - جلد ۲ - ص ۵۱۸). جمعیت ایران بعد از حمله افغان تقلیل یافت . بعدها بر جمعیت مسلمان افزایش یافت و از یهودیها کاسته شد (جلد ۲ ص ۵۱۸ - ۵۲۱) ساکنین ایالات شمالی نژاد عالی هستند . قد آنها بلند نیست و صورت آنها از رنگ زیتونی گرفته تا رنگ سفید اروپای شمالی است (جلد ۲ - ص ۶۳۰).
- ۶ - زبانهای ایران غیر از فارسی عبارتست از ترکی - کردی - لری - عربی (شوبرل ص ۲۰).
- ۷ - تاجیکها ایرانیان حقیقی هستند. اقوام نزدیک با آنها عبارتند از افغانها کردها - بلوچها - هایکانها یا آرامنه و اوستها و قسمت عمده جمعیت نیمه بادیه نشین و از ترکها و مغولها یا افغانها میباشد (پریچارد ص ۱۷۱).
- ۸ - وسترگارد در ۱۸۴۳ مردی جمجمه‌های ایرانی را تأیید کرد. دوخائیکف مخالف این نظر است (ص ۶۴۰) .
- ۹ - ایرانیان آریائی از طبقه سردرازهای آسیا هستند (رتزیوس - ص ۱۱۲).
- ۱۰ - ایرانیان را تحت عنوان شعبه آرامائی طبقه بندی میکنند . دارای موی مشکی و چشم سیاه و پوستی که بیش از پوست اروپائیان بافتاب حساسیت دارد و قد متوسط میباشد (امالیوس دهالوی ص ۳۶).
- ۱۱ - ایرانیان که از گروه آریان هستند دارای سربیزی شکل و پیشانی عریض و بینی برجسته و چشمان افقی که اغلب آبی است و موی بور یا قهوه یا سیاه و ریش ابوه میباشد . ایرانیها خود را تاجیک میخوانند و فلات ایران را تا سند اشغال کرده‌اند. حتی در توران و قسمت غربی آسیای مرکزی وجود دارند و کلنی‌هایی در روسیه و سیبری به تشکیل داده‌اند (پرتی ص ۷۰ و ۸۲-۸۳).

فهرست قبائل و گروه‌های نژادی - ۲۳۹

۱۲- یکی از دلائل دیرآمدن ایرانیان بسمت مغرب آمستکه در کتاب سفر آفرینش ذکری از آنها نشده است (X: ۱-۳۱) (دوخانیکیف ص ۴۳) کلمه تاجیک به همه کسانیکه در سواحل جیحون و اطراف آن خون ایرانی داشتند اطلاق می شد (ص ۷۷) سر تاجیک مانند سر ایرانیان دراز ولی استخوان پیشانی بزرگتر است و صورت آنها را بیضی تر نشان میدهد. اسکلت آنها پرحجم تر از آن ایرانیان است. از ۱۴۸۷۰ نفر ایرانی از نواحی مختلف که از سر کنسولگری روس در ۱۸۵۷ در تبریز نقاصای روا دید کردند بیش از ۷۵ درصد چشم مشکمی وفد متوسط یعنی ۱۳۰۰ - ۱۵۰۰ داشتند. جمجمه در ناحیه پیشانی باریکتر و صورت بیضی شکل درازتر و چشم بزرگتر و خوش شکلتر و مژگان درازتر است. گوش و دهان و پاها کوچکتر است (ص ۱۰۳ - ۱۰۵). اندازه گیری ایرانیان ساکن نواحی مرکزی متوسط دوهوسه (۱۳۳-۱۳۹).

۱۳- تاجیکهای افغانستان نماینده ایرانیان باستانی ساکن کشور میباشند. همه فارسی زبانان افغانستان که هزاره یا افغان یاسید نیستند تاجیک خوانده می شوند. این نام به ساکنین ایرانی قدیم بدخشان نیز اطلاق میشود (بلیو- ص ۱۰۹-۱۱۰).

۱۴- شاخص سر ۸۴/۶۱. در عراق عجم جمعیت مخلوط از ترکمن و آریانیهای ماد و پارس خود را عجمی مینامند (هوسی ص ۱۱۰). در دوره هخامنشی ایرانیان آریائی برشوش تسلط داشتند (ص ۱۳۹) ایرانیها دارای شاخص سر سایر آریانیها بودند که ۷۳ بود (ص ۱۳۶-۱۳۷).

۱۵- در ۱۸۵۰ رالینسون جمعیت ایران را ۱۰ میلیون تخمین زد و در ۱۸۷۳ بعد از وبا و قحطی ۶ میلیون. طبق نظر هتوم - شیندلر جمعیت ایران در ۱۸۸۴-۷'۶۵۳'۶۰۰ نفر و در ۱۸۹۱-۸'۰۵۵'۵۰۰ نفر - در ۱۸۸۸ طبق نظر زولوتارف ۶ میلیون بوده است (کرزن ۱۸۹۲ - جاد ۲ ص ۴۹۲ - ۴۹۴).

۱۶- اعراب ایرانیان ساکن شهرهای ایران را عجمی میخواندند. ایرانیها کم موتر از کردها و مزلقانیها هستند. موی آنها مجعد یا صاف و لب متوسط تا کلفت و دندان متوسط تا بزرگ است. قد کوتاه (۱۶۵/۳) شاخص سر ۷۸/۴ (۷۵/۷ - ۸۳/۵). حداکثر قطر پیشانی ۱۰۳ - عرض گونهها ۱۳۷ - عرض فکین ۱۰۱/۰. اکثریت ایرانیان از طبقه سر متوسط یا سر درازند. جمجمه های

ایرانی بخصوص گبرها سر دراز با گونه های کوچک بینی باریک و صورت دراز (دایلو).

۱۷- پارسیها ایرانی هستند (اوجفالوی).

۱۸- اکثر ساکنین قسمت شرقی عراق ایران ایرانی هستند و ساکنین نواحی کوهستانی بخصوص خالصند (هتوم - شیندلر ص ۴۸).

۱۹- یارسیها مردم آریائی زبان و ایرانی هستند. در میان ایرانیان عصر حاضر نوعهای مختلف باهم مخلوط شده اند. از ایرانیان خالص سه نوع فرعی وجود دارد: سامی - ترکمن یا تاتار - شوشی (ریپلی ص ۴۴۲ - ۴۵۲).

۲۰- قسمتی از جمعیت ایران از اولاد ایرانیان قدیم و پارسیها هستند. در تمام کشور فقط ده هزار زردشتی است (فین - ص ۳۲-۳۳).

۲۱- احتمال میرود در حدود ۲ میلیون ایرانی در روسیه و امپراطوری عثمانی و امپراطوری هندوستان باشد (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۱ ص ۱۳ - ۱۴) مادها و پارسیها شاید زندگانی شبیه بادیه نشینان امروز داشتند (جلد ۱ ص ۱۷۰-۱۷۱). ایرانیها از شعب نژاد ایران هستند که از استپهای شمال خراسان وارد ایران شدند و فارس را اشغال کردند (جلد ۱ ص ۹۵-۹۹).

۲۲- طبق بندهش اعراب و ایرانیها سامیها و آریانها در بادی امر از نژاد مشترك در مغرب آسیا هستند (مدی ۱۹۱۹ ص ۷۳۳). فن لوشان میگوید تاجیکها از اولاد ایرانیان قدیمند. بلیو میگوید در افغانستان تاجیکها را پاراسیون میگویند که نشانه نسبت و رابطه آنها با ایرانیان قدیم است (ص ۷۴۷ - ۷۴۸).

۲۳- یکی از دو گروه نژادی ایران - نور دیکهای اصلی از استپهای ناحیه آسیائی اروپا بایران آمدند و مادی و پارسی خوانده شدند ولی مهاجرت سامیها (اعراب) و همچنین حمله قبائل ترك نوع ایرانی را تغییر داده است. دو گروه ایرانی شناخته میشود:

الف - فارسیهای باریک سر دراز حوالی نخت جمشید که پوست سفید و موی زیاد و ریش بلوطی رنگ دارند. مردمان بوز چشم آبی بندرت دیده میشود. اینها بهلور کلی از نوردیکهای اولیه هستند.

ب - لرها که بلندتر و تیره رنگتر و اغلب موی سیاه دارند و از نوع خیلی سر درازند با صورت بیضی و قیافه منظم و بنظر میرسد از شعبه های نژاد مدیترانه

فهرست قبائل و گروههای نژادی - ۲۴۱

یانژادی خیلی شبیه بآن باشند (هدون ص ۱۰۲-۱۰۳) و نژادهند و مدیترانه شامل ایرانیها میشود (ص ۸۶).

۲۴ - پارسها مردمی بودند از قبایل مادی (سایکس ص ۷۳-۷۴).

۲۵ - در میان اقوام ایرانی از همه مهمتر پارسیها هستند که سه گروه جغرافیائی تقسیم میشوند: در مشرق خطی از استرآباد تا یزد تا کرمان تاجیکها هستند. در سمت مغرب عجمیها و بین اصفهان و خلیج فارس فارسیها (دنیگر- ص ۵۰۵-۵۰۶).

۲۶ - مردم ایران بوسیله تماس با بادیه نشینان آریائی زبان شمالی و بادیه نشینان تورانی زبان مغول مخلوط شدهاند (ورل ص ۱۲۴ - ۱۲۶).

۲۷ - ایرانیان غربی یا پارسیها در تمام آسیای مرکزی تاجیک و دره مغرب ایران تات شناخته میشوند (حسن ص ۲۹).

۲۸ - در سنین بین ۶۶۰ - ۶۸۰ قبایل ایرانی بسوریه انتقال یافتند و

های فعلی سوریه ممکن است از این قبایل باشند. در میان قبایل دروز عنصر ایرانی وجود دارد (هیتی ص ۲۲-۲۳).

۲۹ - نوشیروانیها یک گروه ایرانی خالص در بلوچستانند. برای جمعیت

ایرانی بلوچستان رجوع شود به قسمت تحت عنوان تاجیک (مکمون ص ۷).

۳۰ - از رسوم و سنن نژادی مشترک در ایران اثری نیست. نوع مخصوص

ایرانی وجود ندارد. اولاد ساکنین اصلی که نسبتاً کم تغییر کردهاند در کیلان و مازندران یافت میشوند. در نواحی دیگر با بادیه نشینان آریائی زبان شمالی از مشرق روسیه و مغولان تورانی زبان مغرب سیبری مخلوط شدهاند (ویلسون ۱۹۳۲ ص ۲۸ - ۳۰) و اسکندر ازدواج بین مقدونیها و زنان ایرانی را تشویق میکرد (ص ۳۱۵-۳۱۶).

۳۱ - پارسوا - پارسای ایرانی در نوشتههای آسوری در ۸۳۶ - ۸۳۵

قبل از میلاد ظاهر میشوند. آسوریها در بادی امر بین مادی و پارسی و بین ایرانی و پارتی فرق نمیکذاشتند (هرتسفلد ۱۹۳۵ ص ۶ - ۱۰).

۳۲ - ۵۰ هزار نفر ایرانی در قفقاز بیشتر یک گروه سیاسی هستند تا یک

واحد نژادی (باچماکف ص ۲۱ و ۲۳).

پارسیوان

۱ - در افغانستان تاجیکها را اغلب پارسیوان میخوانند (بلیو - ص ۱۰۹ - ۱۱۰).

۲ - ادعای بلیو که در افغانستان تاجیکها را پارسیوان میخوانند نشانه رابطه آنها با ایرانیان باستان است (مدی ۱۹۱۹ - ص ۷۴۷ - ۷۴۸).

پازوکی (پازگی)

قبیله بادیه نشین کرد در خوار و ورامین متشکل از هزار خانوار . زمانی قبیله نیرومندی بودند در نزدیکی ارض روم . در نیمه دوم قرن شانزدهم از هم پاشیده و قسمتی از آنها با ایران مهاجرت کردند بعضی کردی و بعضی ترکی حرف میزند (هتوم - شیتدلر ص ۴۸ بیعد).

پاسارگاده

۱ - قبیله پارسی که کوروش بقیام علیه مادها واداشت (هرودوت I - ۱۲۵).
۲ - یونانیها آنها را پاسارگاده نیز خوانده اند . این نام بعداً یکی از قبایل کارمانیا اطلاق میشد (لارنس یادداشت به هرودوت I - ۱۲۵).

پامیری

پامیری (ایرانیان) : مو قهوه گاهی روشن همیشه البوه و موجدار یا مجعد . ریش قهوه یا روشن با پوست سرخ و سفید یا گندم کون . قد بلند تر از متوسط ۱/۶۶ - ۱/۷۰۷ - شاخص سر ۸۵ یا بیشتر . صورت دراز بیضی شکل . بینی باریک برجسته عقابی یا راست چشم راست متوسط رنگ گاهی آبی شامل گلچا و تاجیک و وازی و غیره . ایران و پامیرو نواحی مجاور شمال شرقی منچوریه (هدون ص ۲۷) . گلچاها خالصترین پامیریها هستند (ص ۱۰۳ - ۱۰۴) چونه و بندیه از نژاد پامیری هستند (ص ۱۰۳).

پانتیالیان

از قبایل پارس که بکشاورزی اشتغال دارند (هرودوت I - ۱۲۵).

فهرست قبائل و سرودهای تزاری - ۷۳۳

پانیسجوریان

استرابو آنها را جزو قبایل ایران نام میبرد؛ ساکن ناحیه‌ای بنام پاتیشووارا بودند (لارنس - یادداشت به هرودوت I - ۱۲۵).

پبلیسی

از قبایل ده نشین قفقازی (ترك) فارس و لارستان ۱۸۹۰ (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۱۱۲ - ۱۱۴).

پلر

يك طایفه خالص ترك در غور متعلق به خلیج (بلیو - ص ۱۰۰).

پلوس

پلوس در شمال کوئن - لون از حیث خصوصیات جسمانی شبیه تاجیکها هستند (دنیگر ص ۵۰۵ - ۵۰۶).

پورپیشه

قبیله بادیه نشین کرد اسفند آباد در اردلان که در زمستان بخاک ترکیه مهاجرت میکنند . ۳۰۰ خانوار (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ ص ۵۵۵ - ۵۵۷).

تات

۱ - در شمال غربی ایران بومیان آن مناطق را که تحت سلطه ترکها هستند تات می نامند. پیترو دولاوله ۱۶۶۳ اولین اروپائی بود که از تاتها ذکر کرده است (دوخانیفکف ص ۷۷). احتمال میرود که در زمان ساسانیان از آذربایجان آورده شدند و بیش از هر گروه دیگر ایرانی تحت نفوذ ترکها واقع شدند و مدت ۱۵ قرن میان آنها زندگی کرده بودند. قد متوسط و صورت گرد و چاق و چشم سیاه که کوچکتر از چشم ایرانیان است. گردن آنها کوتاه و کلفت و بدن فربه و متمایل بچاقی و دست و پا نسبتاً کوچک قیافه تاریک و مو تیره و نسبتاً آلبو. اگر چه کمتر از ایرانیان و تاجیکها (ص - ۱۱۴).

- ۲ - شاخص سرنامهای دامغان ۷/۲۸ (دانیلو-ستون ۵۳ - ۵۵).
- ۳ - ایرانیان غربی یا ایرانیان خالص در ایرانیا غرب تات خوانده میشوند که شاید کلمه تحریف شده از تاجیک باشد (حسن ص ۷۹).
- ۴ - ۷۴ هزار تات در قفقاز هستند . بیک زبان هندو و ایرانی تکلم میکنند (باچما کف- ص ۲۱).

تاتار

- ۱- در کردستان تاتار وجود ندارد (ملکم - جلد ۲ - ص ۲۰۷-۲۱۰).
- ۲- هزارهها تاتار از شعب مغولند (بلیو-ص ۱۱۳-۱۱۴).
- ۳- زلوتارف (۱۸۸۸) تخمین زد که در ایران یک میلیون ترک و تاتار وجود دارد (کرزن ۱۸۹۲ جلد ۲ - ص ۴۹۲-۴۹۴). ترکهای ایران شعبه‌ای از نژاد بزرگ ترکی یا ترکمن یا تاتار هستند (جلد ۲ - ص ۲۶۹) تاتار و ترکمن و ترک نام قابل تبدیل شعبه‌های یک فامیل است . دائرة المعارف بریتانیا قبل از ۱۸۹۲ تاتارهای خراسان را صد هزار نفر ذکر میکند که متشکلند از افشارها و قاجارها (جلد ۱-ص ۱۷۹).
- ۴ - ساکنین آذربایجان قوی و بلند و دارای موی مشکی و چشم سیاه هستند و بلهجه آذربایجانی زبان ترکی تکلم میکنند اگر چه شبیه تاتارها نیستند آنها را تاتار آذربایجانی میگویند (دانیلو-ستون ۱۰-۱۹-۲۶-۲۸).
- ۵ - در جدولهای رشیدالدین بیاتها بنام قبیله تاتار ذکر کرده است (هتوم - شیندلر-ص ۴۸ پیوست).
- ۶- تاتارهای آذربایجانی که از عناصر نژادی عمده ایران هستند اگر چه بزبان ترکی تکلم میکنند بطور قطع از هر حیث ایرانی هستند . دومین شعبه فرعی نوع ایرانی مخلوطی است از ایرانیان خالص بارگهای از نژاد ترکمن یا تاتار (ریپلی- ص ۴۴۲-۴۵۲).
- ۷- مغولها یا تاتارها را چینی‌ها بسه طبقه یعنی سفید و سیاه و تاتار وحشی تقسیم کرده بودند . شکل صحیح این کلمه در قدیم «تانا» بوده است. کلمه تاتار بطور عموم مورد قبول واقع شده زیرا شبیه کلمه تارتاروس میباشد (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۲- ص ۲۱).

فهرست قبائل و سر وههای نژادی - ۷۴۵

۸- بعضی از تانارها به گروه شرقی ترکی تعلق دارند (هدون ص ۳۱).

۹- منگلهای بلوچستان بدون شك از نژاد تانارند (مکمون ص ۸).

تاجیک (تازیک، تازی، تازیک)

۱ - تاجیکهای عصر حاضر با ایرانیان حقیقی که ترکها آنها را کزلباش می نامند مردمی هستند که برای خوش سیمائی معروفند - قیافه منظم و صورت دراز بیضی و ابروان مشخص مشکی و چشمان سیاه غزالی دارند . تاجیکها در واقع مردم مشهوری هستند که در سراسر شرق پراکنده اند و نه تنها در شهرهای ایران بلکه در شهرهای ماوراءالنهر و کشورهای تحت تسلط ازبکهای تانار سکونت دارند . بعضی ادعا دارند که تاجیکها تا مرزهای چین یا لاقل تا تبت پخش شده اند (پریچارد ص ۱۷۹) .

۲ - ایرانیان که خود را تاجیک میخوانند فلات ایران را تا سند در تصرف دارند . حتی در توران و قسمت غربی آسیای مرکزی یافت میشوند . در روسیه و سیبری کلنی هائی تشکیل داده اند (پرتی - ص ۸۲-۸۳) .

۳ - نام تاجیک فقط درباره طبقه معینی از جمعیت مشرق و خراسان و سیستان و هرات در افغانستان بکار میرفت و در سواحل سیحون و آنسوی آن بهر کس که خون ایرانی داشت اطلاق میشد . اشتقاق کلمه تاجیک (دوخانیکیف ص ۷۷ و ۷۸ و ۸۷) . خود تاجیکها عربستان و ناحیه بغداد را اولین مسکن اجداد خود میدانند . (نقل از وود ص ۲۵۹) . ولی تعداد آنها زیادتر از آنستکه بتوان آنها را اولاد جنگجویان مهاجم عرب دانست . طبق نظر هونت استورات الفینستون تاجیکها يك ملت واحد نیستند بلکه در ناحیه وسیعی در آسیا در قسمتهای مجزا پراکنده شده اند . مردمان ده نشین و غیر متحرک ایران نیز تاجیک نامیده میشوند تا از مهاجمین تانار تشخیص داده شوند و همچنین با مردم بادیه نشین که بنظر میرسد از نژاد ایرانی باشند اشتباه نشوند . حتی در ترکستان چین وجود دارند (ص ۹۳ - ۹۴) . تاجیکها بلند قد و دارای موی مشکی و چشم سیاه هستند . سر آنها بدرازی سر ایرانیان است ولی استخوان پیشانی آنها بزرگتر است و همین امر صورت آنها را بیضی شکل تر از صورت ایرانیان غربی میسازد . چشم و دهان و بینی منظم است .

بینی معمولاً راست و گاهی منحنی و برجسته‌تر از بینی مغولها است . مقدار موی آنها شبیه ایرانیان است . ریش انبوه ، سینه و بازوها اغلب پوشیده از مو است . اسکلت تاجیک حجیم‌تر از اسکلت ایرانیان است . قد بین ۱۷۰ و ۱۶۰ که توسط وود در واخان ثبت شده است (ص ۱۰۳-۱۰۵) و تاجیکها و گبرها حداکثر صفات بدوی و اولیه را حفظ کرده‌اند (ص ۱۰۷-۱۰۸) .

۴- اغلب پارسیوان خوانده میشوند . عنصر متعدد و پراکنده در افغانستان هستند و از حیث زبان و آداب و رسوم با ساکنین آن سرزمین فرق دارند. نماینده ساکنین ایران باستان هستند . تاجیک از کلمه فارسی قدیم که باعرب اطلاق میشد مشتق است . بتدریج این کلمه به نژاد مخلوط از عرب و ایرانی اطلاق شد . ممکن است تاجیک نام قدیمی روستائیان ایران باشد . امروز بهمه فارسی زبانان افغانستان کسه هزاره و افغان و سید نباشند اطلاق میشود (بلیو ص ۱۰۹ - ۱۱۰) .

۵- زیر عنوان مغول و آریان ثبت شده‌اند. گبرهایک مخلوط نژادی از تاجیک و عجمی‌ها میباشند (هوسی ص ۱۰۳) شاخص سر تاجیک ۸۲/۳۱ (ص ۱۱۰) و تاجیکها در مرز شرقی ایران و در خراسان بین افغانستان و فارس زندگی میکنند . از لحاظ جسمانی شبیه عجمی‌ها هستند (ص ۱۱۸) .

۶- عناصر ایرانی که تاجیک خوانده میشوند در سیستان وجود دارند (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۲۲۸) دائرةالمعارف بریتانیا قبل از ۱۸۹۲ تاجیکهای خراسان را زیر ایرانیان ذکر کرده : تعداد ۴۰۰ هزار نفر (جلد ۱ - ص ۱۲۹) .

۷- گروه اساسی خراسان تاجیک است که شاخص سر او با شاخص سر ایرانیان کاملاً فرق دارد زیرا آنها از نوع سر کوتاه هستند و از این حیث بارمنی‌ها و یهودیها و آسوریها و مغولها بیشتر شباهت دارند . از لحاظ کوتاهی سر بختیاریها در درجه دوم واقع میشوند . شاخص سر تاجیکها در شهرهای مختلف از این قرار است : فرغانه ۸۵/۵ - زرافشان ۸۴/۰ - سمرقند ۸۳/۰ (دایلو) .

۸- تاجیکها مخلوطی هستند از ایرانیان خالص با تورکمن و تاتار (ریپلی ص ۴۴۲ - ۴۵۲) .

فهرست قبائل و گروه‌های نژادی - ۷۴۷

۹- استان هرات توسط تاجیکهای آریان اشغال شده است (سایکس ۱۹۲۱ جلد ۲-ص ۲۱۷).

۱۰ - طبق نوشته بندهش ناز جد اول تازیها یا اعراب است (مدی ۱۹۱۹-ص ۷۳۳). در قسمتهای اول شاهنامه فردوسی اعراب را تازی و زبان آنها را زبان تازی میخواند (مدی ص ۷۳۷ و ۷۳۸) تاجیکها که امروز یکی از دو گروه نژادی عمده ایران را تشکیل میدهند از اولاد اعراب ایرانی شده بازردهشتی شده زمان اسکندر هستند. فن لوشان آنها را از اولاد ایرانیان قدیم میدانند. دکتر بلیو میگوید در افغانستان تاجیکها را هنوز پارسیوان می‌خوانند که نشانه رابطه آنها با ایرانیان باستان است. ذکر از آنها حتی در يك دعای زردشتی نشان میدهد که بعضی از اعراب با ایرانیان قدیم تماس نزدیکتری داشتند. بنابراین جای تعجب نیست که خصوصیات جسمانی آنان نیز تاحدی تغییر کرده باشد (ص ۷۴۷-۷۴۸).

۱۱- در ایران دو گروه بزرگ نژادی وجود دارد یکی تاجیکهای نوع قدیم که در یارسیهائیکه در سال ۶۴۰ میلادی به هندوستان مهاجرت کردند نوع آنها باقیمانده دوم ایرانیان. تاجیکهای دشت مخلوط‌تر و سفیدتر از تاجیکهای کوهستانی یا گلپاها هستند. اینها را میتوان ساکنین اولیه محسوب داشت (هدون ص ۱۰۲-۱۰۳) رجوع شود به پامیری (ص ۲۷) و تاجیکهای ساکن بین سیحون و جیحون در ترکستان مخلوط شده‌اند ولی نسبتاً خود را از تهاجم ازبکها حفظ کرده‌اند (ص ۱۰۳-۱۰۴).

۱۲- در مشرق خطی از استرآباد به یزد و کرمان تاجیکها زندگی می‌کنند و همچنین در مغرب افغانستان و شمال غربی بلوچستان و ترکستان و افغانستان و ترکستان شوروی تا پامیر وجود دارند. یلوسها و سارنها و آذربایجانی‌های قفقاز شبیه تاجیکها هستند. تاجیکها از نوع سر کوتاه هستند (۸۴/۹) و قد آنها بلندتر از متوسط (۱۶۹/۰) است و اختلاط با ترکها را نشان میدهد (دیکس ص ۵۰۵-۵۰۷).

۱۳- چینی‌ها اعراب را تازی یا تاشی (که تحریفی است از کلمه فارسی تازی یا تاجیک) می‌شناختند.

ایرانیان غربی یا ایرانیان خالص در تمام آسیای مرکزی تاجیک و در ایران

غربی تات خوانده میشوند تاجیک کلمه فارسی وسطی تاتیائی آرمائی است یعنی قبیله طائی (حسن ص ۷۹).

۱۴ - تاجیکها که در بلوچستان قسمت ایرانی جمعیت شناخته میشوند و از قبایل عمده محلی و طبقه کشاورز هستند از اینگونه هستند دهوارها یا دهقاناتها و دورزاده‌ها که تا مکران بسط دارند (مکمون ص ۷).

۱۵ - میانگین قد تاجیکهای کوهستانی ۱۶۵/۸۳ است. قد نشسته ۸۶/۴۴ شاخص نسبی قد نشسته ۵۲/۱۸ سر آنها متمایل به نوع خیلی سر کوتاه است. صورت باریک و از حیث بلندی متوسط. طول بینی ۵۸/۱۴ عرض ۳۴/۴۰ شاخص ۵۹/۴۴ در نیمرخ بینی راست و مقعر و محدب ۶۴/۵۰ درصد مقعر ۱۱/۴۷ درصد و محدب ۲۴/۰۳ درصد (گینزبرگ ص ۵۶-۶۳).

تاجتادشی

۱ - نوع سر کوتاه که مانند قبیله بدوی در آن طولی زندگی میکنند (ریپلی - ص ۴۴۲-۴۵۳).

۲ - فن لوشان تاجتادشی‌ها را از نمایندگان هیتی‌های باستانی می‌داند (هیتی ص ۱۵).

تاهوکی (تاهوکانی)

در بلوچستان ایران پیدا میشوند. نژاد مردانه و قوی هستند (مکمون - ص ۸).

تراکي

طایفه حقیقی ترك در غور متعلق به خلیج (بلیو ص - ۱۰۰).

ترکمن

۱ - ترکمنها از نژاد ترك هستند که در قرن یازدهم و دوازدهم به بخارا در شمال آسیا و ارمنستان و گرجستان جنوبی و شیروان و داغستان راه یافتند و در این نواحی بصورت بادیه نشینی زندگی میکنند و تراکمه و ترکمان و قزلباش

فهرست قبائل گروه‌های نژادی - ۲۴۹

نامیده میشوند. نام آنها مرکب است از ترك و كمن تنها اختلاف بین تركمنها و ازبکها از لحاظ قبیله است و اینکه ازبکها ده نشین هستند. هر دو صورت پهن و چانه نیز و پوست روشن و ریش تنك و عضلات قوی و چشم کوچک مانند چینی‌ها دارند (ابری - مکی ص ۱۶).

۲ - زیر عنوان مغول ذکر شده‌اند (هوسی ص ۱۰۳). قبایل خالص تركمن در گیلان و هازندران سکنی دارند. از قسم در خطی بین اصفهان و آباد و خاك عراق هجم است که ساکنین آن مخلوطی از تركمن و آریانی‌های ماد و پارس هستند که خود را عجمی می‌نامند. شاخص سر ۸۲/۰ (ص ۱۱۰ بیعد).

شاخص سرارامنه جلفا ۸۴-۸۶ که آنها را مانند تركمنهای خالص سر کوتاه مینماید (ص ۱۲۰). ارقام مربوط به جانکی‌ها عنصر شدیدتر كمن را نشان میدهد. شاخص سر ۸۳/۲ (ص ۱۲۶-۱۲۲).

۳ - زولوئارف عده تركمنها و جمشیدیهای ایران را ۳۲۰ هزار نفر تخمین می‌زند (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۴۹۲-۴۹۴) و ترکهای ایران شاخه‌ای از نژاد بزرگ ترکی یا تركمن یا تاتار میباشند (جلد ۲ - ص ۲۶۹) تركمنهای دره گرگان و اترك معروفترین قبایل ترك ایران هستند (جلد ۲ - ص ۲۲۰) تاتار و تركمن و ترك سه نام قابل تبدیل شاخه‌های مختلف يك فامیل نژادی است. (جلد ۱ - ص ۱۷۹).

۴ - جمجمه‌های کبر تا حدی شبیه جمجمه تركمن است (دانیلو-ستون ۱۳۹-۱۴۴). تركمنها از طبقه نیمه سر کوتاه هستند و شاخص سر آنها ۸۳/۰ است (ستون ۵۳-۵۵).

۵ - آرامنه از حیث جسمانی به تركمنها بیشتر منسوب هستند تا به مردم آریائی زبان. یکی از شعب نوع ایرانی-مخلوطی از ایرانی خالص یا نژاد تركمن یا تاتار است. عجمی، تاجیک، تاتار آذربایجانی، موی خشن متمایل بسیاهی، صورت پهن و استخوان گونه برجسته‌تر از آن ایرانیان خالص، سر عریضتر بخصوص در میان مردم شمال شرق. آیا رکه از نژاد آلیابین در آنها وجود دارد؟ (ریپلی ص ۴۴۲-۴۵۲).

۶ - ترکها و تركمنهای ایران از نسل پارتها هستند (فین - ص ۳۲-۳۳).

- ۷ - در خراسان ترکمن هست (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۲ - ص ۳۹۲).
- ۸ - ایلات ترکمن هستند ولی مزاجت نوعهای مختلف مانند قاجار بوجود آورده است (هدون ص ۱۰۲ - ۱۰۳) . گروههای ترکمن بادیه‌نشین در پی مهاجرت ترکها از شمال ایران بسمت مغرب هجوم آوردند (ص ۹۷) . ترکمنهای مشرق دریای خزر قسمتی از گروه غربی ترکها میباشند (ص ۳۱۰) .
- ۹ - ترکمنها گروهی از ترکان ایرانی هستند که در ایران و خیمه و بخارا و قفقاز و ماوراء قفقاز وجود دارند و عده آنها در حدود یک میلیون نفر است که شامل طوایف زیر میگرددند: چوار - عیوت - گوکلان - اخال - مروتکه - سارق - سالورو ارسای . همه مسلمانند . بعضی بنظر میرسد نوع نوردیک اولیه را حفظ کرده باشند ولی معمولاً مخلوط شده‌اند (بکستون ۱۹۲۹ - ص ۶۲۳).
- ۱۰ - ترکمنهای خراسانی ترکی حرف میزنند (ویلسون ۱۹۳۲ - ص ۶۸ - ۶۹) .

ترکها

- ۱ - اخلاف قبائل ترك در خراسان پیدا میشود (ملکم - جلد ۲ - ص ۲۱۶).
- ۲ - زبان ترکی از حیث تعداد خیلی زیاد است . شامل چهل و یک فامیل یا شعبه و ۴۲۸ هزار نفر است . قبایل افشار و قاجار قویترین این قبایلند (شوبرل - ص ۲۰) .
- ۳ - بعضی از قبایل نیمه بادیه نشین ایران ترك هستند (پریچارد - ص ۱۷۱).
- ۴ - گندوزلو یکی از قبایل ترك است جاذبگی گرمسیر و سردسیر از نژاد ترکند (لایارد - ص ۷) .
- ۵ - مجموعه‌های بختیاری و نهرانی از حیث عرض بوسیله اختلاط با ترك تغییر کرده است (دوخانیکیف ص ۱۰۹) آرامنه بوسیله سامیها و ترکها خیلی زیاد تغییر کرده‌اند (ص ۱۱۲) . قاتنها بیش از سایر ایرانیان توسط گروههای ترك که مدت ۱۵ قرن بین آنها زندگی کرده‌اند تحت نفوذ واقع شده‌اند . (ص ۱۱۴).
- اندازه‌های مجموعه زیر نام تورانیان داده شده است (ص ۱۳۲).
- ۶ - ازبکها ، ترکمنهای سیحون و آسیای صغیر و قبایل متحرك شمال ایران و عثمانیها همه ترك هستند (ابری - ص ۱۶) .

فهرست قبائل و سر وههای نژادی - ۲۵۱

- ۷ - نویسندگان ایران باستان دشمنان خود را در سمت شمال ترك ميخواندند (بلیو - ص ۱۰۹ - ۱۱۰) وقتی خلیجی ها وارد فور شدند شامل طوایف حقیقی ترك از قبیل هوتك و توشی و اندر و تراکی و نلر و پولر بودند (ص ۱۰۰).
- ۸ - بعضی از ایلات ترك هستند (هوسی ص ۱۱۹) . لایارد میگوید گندوزلوها افشار ترك و جانکی ها ترك هستند (ص ۱۲۲) . راجع به جانکی ها احتمال قوی میرود که يك قبیله ترك کشوری که در اشغال لر ها بود گرفته و با آنها مخلوط شدند (ص ۱۲۲ - ۱۲۶) .
- ۹ - طبق گفته هتوم - شیندلر در سال ۱۸۸۴ در حدود ۱۴۴ هزار قامیل ترك در ایران وجود داشت . زولوتارف (۱۸۸۸) تركها و تاتارهای ایران را يك میلیون نفر تخمین میزند (گرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۴۹۲ - ۴۹۴) . تركها که یکی از چهار طبقه قبایل ایرانند از شعب نژاد ترکی و ترکمن و تاتار میباشند . اکثریت تركها اسکان یافته و ده نشین اند (جلد ۲ - ص ۲۶۹ - ۲۷۰) در میان قبایل ترك ایران که عده آنها در شمال و شمال غرب از همه زیادتر است معروفترین آنها قبایل قاجار و افشار و قره گوزاو همدان و شاهسون های اردبیل و ترکمنهای کرگان و انرك و قشقاییهای فارس و لارستان هستند (جلد ۲ - ص ۲۷۰) . در کردستان عناصر ترك وجود دارد (جلد ۱ - ص ۵۴۹) قبایل مهاجر فارس و لارستان قسمتی لر ترك هستند که عمده ترین آنها قبایل قشقایی است (جلد ۲ - ص ۱۱۲ - ۱۱۴) . تاتار و ترکمن و ترك نامهای قابل تبدیل شعب مختلف يك قامیل هستند (جلد ۱ - ص ۱۸۹) ساکنین کلات نادری ترك از قبایل جلایر و بنجنت هستند . (جلد ۱ - ص ۱۳۹) .
- ۱۰ - بعد از ادوار ما قبل تاریخ آریانیها با قبایل ترك مخلوط شدند (دانیلو - ستون ۱۰-۱۹ و ۲۶ و ۲۸) .
- ۱۱ - در شهرها بخصوص در تهران اختلاط خون ترك زیاد است . خلیج های بادیه نشین ترك هستند . همه قبایل قزلباش ترکند (هتوم - شیندلر ص ۴۸ بیعد) .
- ۱۲ - تركها از نسل پارتها هستند (فین - ص ۳۲ - ۳۳) .
- ۱۳ - در خراسان (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۲ - ص ۳۹۲) . آینه لو و بهارلو و بامری و نفر خمه از نسل ترك هستند (جلد ۲ - ص ۴۷۹) . قبیله قاجار از

نژاد ترکند (جلد ۲ - ص ۲۷۷) .

۱۴ - مردم ایران ترکها را تحت نفوذ شدید قرار دادند (لوفر ۱۹۱۹ -

ص ۱۸۵) .

۱۵ - هجوم قبایل ترك نوع ایرانی را تغییر داده است (هدون ص-۱۰۲).

آذربایجانیهای ایران و آذربایجانیهای قفقاز که کم و بیش با ترکها مخلوط شده اند زیر گروه ایران و مدیترانه قرار داده شده اند (ص ۸۶) تسلط ترکها بر ناحیه سیحون در اواسط قرن ششم میلادی منتج به مهاجرت قبایل ترك بسمت ایران و آسیای صغیر گردید . ترکان سلجوق در اواخر قرن یازدهم آن ناحیه را اشغال کردند و بدنبال آنها ترکان عثمانی آمدند . کلمه ترك در آسیای صغیر و اروپا لازمه اش از نژاد ترك بودن نیست زیرا کسانی را که بدین اسلام درآمدند نیز ترك می نامیدند (ص ۹۷) .

ترکی : مونتاریک - انبوه روی صورت ، رنگ قیافه سفید متمایل به زرد کمی متمایل به قهوه ای، قد متوسط تا بلند ۱/۶۷۵ با تمایل بچاقی، سر کوتاه بلند (شاخص سر ۸۵-۸۷) صورت بیضی دراز، استخوان گونه پهن، بینی راست نسبتاً برجسته، چشمان مشکی غیر مغولی، ولی اغلب حاشیه خارجی پلك چشم تا شده است، لب کلفت، موطن اصلی آسیای غربی (ص ۳۱).

۱۶ - بلوچیها در شمال غربی مخلوط با ترکها هستند (دیکر ص ۵۰۸).

۱۷ - ترکها دارای شکل سر کوچک هستند قد متوسط و زوایای صورت

برجسته و قیافه تا منظم دارند (ایوانووس ۱۵۳).

۱۸ - ترکمنها گروهی از ترکان ایرانند (بکستون ۱۹۲۹ ص ۶۲۳).

۱۹ - دومین حرکت بزرگ بادیه نشینی در ایران حمله ترکها از مغولستان

در قرن هشتم بود . ترکها به آذربایجان راه یافتند (ویلسون ۱۹۳۲ - ص ۶۹

- ۷۰) در فارس و لرستان قبایل ترك یافت می شود (ص ۳۳-۳۴).

تکالو

قبیله قزلباش ترك در ۱۵۳۱ از هم پاشید و به عنوان قبیله از تاریخ محو

شد (هتوم - شیندلر - ص ۴۸ بعد) .